



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

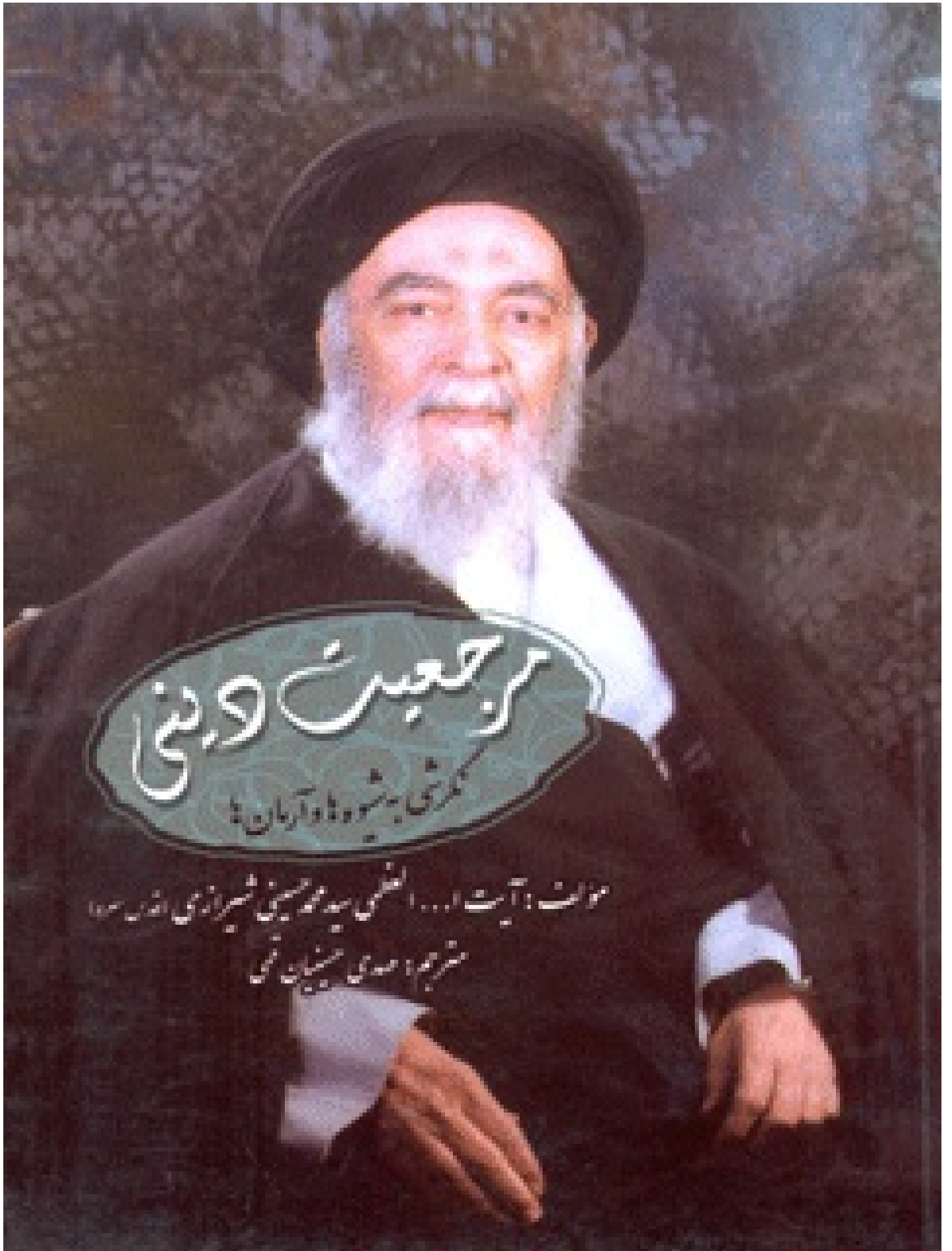
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



مرکز تحقیق و تبلیغ
مکزی بیستون و آذربایجان

مؤلف: آیت الله العظمی سید محمد تقی طبریزی شیرازی (قرن چهارم)
ترجمه: صدیق حسینیان قمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرجعیت دینی: نگرشی به شیوه‌ها و آرمان‌ها

نویسنده:

آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

پروهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	مرجعیت دینی: نگرشی به شیوه ها و آرمان ها
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست مندرجات
۲۲	پیشگفتار
۲۸	مقدمه مؤلف
۳۸	فصل اول : مرجعیت و خودسازی
۳۸	اشاره
۴۰	* خداترسی
۴۳	* تربیت روحی
۴۴	* زهد
۴۵	* بدگمانی به خویش
۴۶	* پیروی از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم
۴۷	* شرح صدر
۴۸	* توجه نخست به دیگران
۴۹	* پاسخ مثبت به مردم
۵۰	* بهای سنگین مسئولیت
۵۱	* مرجع؛ اندیشه و تفکر
۵۳	* صیانت از قلم و زبان
۵۴	* توان اثرگذاری
۵۶	فصل دوم : مرجعیت؛ مسئولیت ها و شیوه های اجرایی آن
۵۶	اشاره
۵۸	* سازمان مرجعیت

- ۵۹ * مراقبت از عملکرد اطرافیان
- ۶۰ * نظارت بر وکلاء
- ۶۱ * انتقاد سازنده
- ۶۲ * گسترش روحیه عزتمندی
- ۶۳ * مشورت در امور سرنوشت ساز
- ۶۴ * پیامدهای خطرآفرین تزویر دیگران
- ۶۶ * بزرگداشت عالمان گذشته
- ۶۷ * جبهه دفاعی
- ۶۸ * تناقض در عملکرد؟
- ۶۹ * پاسخ گویی به مسائل شرعی
- ۷۰ * توجه به اولویت ها
- ۷۱ * برنامه ریزی مالی
- ۷۲ * تقسیم بیت المال، متناسب با فعالیتها
- ۷۴ فصل سوم : مرجع و مدیریت
- ۷۴ اشاره
- ۷۶ * مدیریت مرکزی
- ۷۷ * مرجعیت و سازماندهی امور
- ۷۸ * بهره گیری از نیروهای غیر فعال
- ۷۹ * پذیرش مردم
- ۸۱ * آسان گیری
- ۸۳ * ایجاد انجمن ها
- ۸۴ * بازتاب کارها
- ۸۵ * تشکیل گروه های تخصصی و فعال در امور مختلف
- ۸۶ * موضع گیری در قبال رویدادها
- ۸۷ * راهبردهای اساسی در زندگی
- ۸۸ * مصلحان

- ۸۹ * تلاش پیگیر
- ۹۰ * گسترش فعالیت ها
- ۹۲ * احتیاط لازم
- ۹۳ * رها کردن جمود و تقلید
- ۹۳ * بهره گیری از فرصت ها
- ۹۵ * بهره گیری از مناسبت های زمانی
- ۹۵ * اجرای احکام پنج گانه
- ۹۶ * همه چیز برای هدف
- ۹۷ * اعلان مرجعیت
- ۹۹ * ارائه گزارش فعالیتها
- ۱۰۰ * مقابله با چالش ها
- ۱۰۲ * تفاوت افراد
- ۱۰۳ * مرجع و افراد منحرف
- ۱۰۶ * فصل چهارم : مرجعیت و ایجاد تحول در حوزه های علمیه
- ۱۰۶ * اشاره
- ۱۰۸ * بالا بردن سطح معیشتی و دانش طلاب
- ۱۰۹ * مراعات شئون اهل علم
- ۱۱۱ * بازسازی شیوه های آموزشی
- ۱۱۲ * اهتمام به قرآن
- ۱۱۳ * تطور فقه
- ۱۱۵ * منابع فقهی
- ۱۱۶ * توجه به کتاب های خطی
- ۱۱۷ * توجه به خطبا
- ۱۱۸ * ترغیب به فراگیری زبان عربی
- ۱۱۹ * فراگیری زبان خارجی
- ۱۱۹ * بهسازی و توسعه تشکیلات دینی

- ۱۲۱ * علم و دین
- ۱۲۳ * رساله عملیه
- ۱۲۵ * مسائل جدید
- ۱۲۶ فصل پنجم : مرجع و پیوندهای اجتماعی
- ۱۲۶ اشاره
- ۱۲۸ * برآوردن نیازهای مردم
- ۱۳۰ * کارگر و کشاورز
- ۱۳۱ * توجه به افکار عمومی
- ۱۳۲ * نیازمندان
- ۱۳۳ * جوانان، نیروهایی که باید به کار گرفته شوند
- ۱۳۵ * رضایت مردم
- ۱۳۶ * مراقبت از اجتماع و جلوگیری از گرایشهای انحرافی
- ۱۳۷ * مبارزه با انحرافات
- ۱۳۸ * مبارزه پی گیر
- ۱۳۸ * انتشار کتب به زبانهای مختلف
- ۱۳۹ * انتشار نامه های مفید
- ۱۴۰ * علما و جامعه
- ۱۴۱ * نگارش خاطرات
- ۱۴۲ فصل ششم : مرجعیت در مسیر ترقی و پیشرفت
- ۱۴۲ اشاره
- ۱۴۴ * ارتباط با جهان
- ۱۴۵ * نگرش جهانی
- ۱۴۵ * تحولات جهانی
- ۱۴۶ * آینده نگری
- ۱۴۷ * نفوذ در کانون های قدرت [جهانی]
- ۱۴۸ * اثر گذاری مداوم

- ۱۴۹ * اقلیت های غیرمسلمان در کشورهای اسلامی
- ۱۵۰ * تهیه نقشه ای برای فعالیت ها در جهان اسلام
- ۱۵۲ * اضطراب در تقدّم
- ۱۵۳ * اعزام مبلغان به کشورهای غیر اسلامی
- ۱۵۶ * به کارگیری قدرت های سیاسی
- ۱۵۷ * توجه پیوسته به هدف
- ۱۵۸ * بهره گیری از فن آوری روز
- ۱۵۹ * صلح خواهی
- ۱۶۰ * مبارزه با انحرافات بزرگ
- ۱۶۱ * شرک و بی دینی
- ۱۶۴ * سخن آخر
- ۱۶۶ * درباره مرکز

مرجعیت دینی: نگرشی به شیوه ها و آرمان ها

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی شیرازی، سیدمحمد، 1307 - 1380.

عنوان و نام پدیدآور : مرجعیت دینی؛ نگرشی به شیوه ها و آرمان ها [کتاب] / سیدمحمد حسینی شیرازی؛ مترجم مهدی حسینیان قمی.

مشخصات نشر : تهران: پروهان؛ [بی جا]: نشر و پخش زهره، 1392.

مشخصات ظاهری : 156 ص.؛ 5/11×5/16 س م.

شابک : 35000 ریال: 978-964-8639-18-6

وضعیت فهرست نویسی : فایا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : مرجعیت

موضوع : اجتهاد و تقلید

شناسه افزوده : حسینیان قمی، مهدی، 1342 - ، مترجم

رده بندی کنگره : BP167/ح56م4 1392

رده بندی دیویی : 297/31

شماره کتابشناسی ملی : 3339698

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

مرجعیت دینی؛ نگرشی به شیوه ها و آرمان ها

آیه الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی قدس سره

ص: 3

* نام کتاب: مرجعیت دینی؛ نگرشی به شیوه ها و آرمان ها

* مؤلف: آیه الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی قدس سره

* مترجم: مهدی حسینیان قمی

* ویرایش و کنترل ترجمه: مهدی محمدی راد

* صفحه آرایی: سجاد نصری

* ناشر:

* زیر نظر: گروه ترجمه آثار آیه الله العظمی شیرازی

شابک:

کلیه حقوق طبع و نشر برای بنیاد جهانی

آیه الله العظمی شیرازی محفوظ است.

www.iswf.net

ص: 4

فهرست مندرجات

پیشگفتار... 13

مقدمه مؤف... 19

فصل اول: مرجعیت و خودسازی

* خدا ترسی... 31

* تربیت روحی... 34

* زهد... 35

* بدگمانی به خویش... 36

* پیروی از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم... 37

* شرح صدر... 38

* توجه نخست به دیگران... 39

ص: 5

* پاسخ مثبت به مردم... 40

* بهای سنگین مسئولیت... 41

* مرجع؛ اندیشه و تفکر... 42

* صیانت از قلم و زبان... 44

* توان اثرگذاری... 45

فصل دوم: مرجعیت؛ مسئولیت ها و شیوه های اجرایی آن

* سازمان مرجعیت... 49

* مراقبت از عملکرد اطرافیان... 50

* نظارت بر وکلاء... 51

* انتقاد سازنده... 52

* گسترش روحیه عزّتمندی... 53

* مشورت در امور سرنوشت ساز... 54

* پیامدهای خطرآفرین تزویر دیگران... 55

* بزرگداشت عالمان گذشته... 57

* جبهه دفاعی... 58

* تناقض در عملکرد؟... 59

* پاسخ گویی به مسائل شرعی... 60

* توجه به اولویّت ها... 61

* برنامه ریزی مالی... 62

* تقسیم بیت المال، متناسب با فعالیتها... 63

- * مدیریت مرکزی... 67
- * مرجعیت و سازماندهی امور... 68
- * بهره‌گیری از نیروهای غیر فعال... 69
- * پذیرش مردم... 70
- * آسان‌گیری... 72
- * ایجاد انجمن‌ها... 74
- * بازتاب کارها... 75
- * تشکیل گروه‌های تخصصی و فعال در امور مختلف... 76
- * موضع‌گیری در قبال رویدادها... 77
- * راهبردهای اساسی در زندگی... 78
- * مصلحان... 79
- * تلاش پیگیر... 80
- * گسترش فعالیت‌ها... 81
- * احتیاط لازم... 83
- * رها کردن جمود و تقلید... 84
- * بهره‌گیری از فرصت‌ها... 84
- * بهره‌گیری از مناسبت‌های زمانی... 86
- * اجرای احکام پنج‌گانه... 86
- * همه چیز برای هدف... 87

* اعلان مرجعیت... 88

* ارائه گزارش فعالیتها... 90

* مقابله با چالش ها... 91

* تفاوت افراد... 93

* مرجع و افراد منحرف... 94

فصل چهارم: مرجعیت و ایجاد تحول در حوزه های علمیه

* بالا بردن سطح معیشتی و دانش طلاب... 99

* مراعات شئون اهل علم... 100

* بازسازی شیوه های آموزشی... 102

* اهتمام به قرآن... 103

* تطور فقه... 104

* منابع فقهی... 106

* توجه به کتاب های خطی... 107

* توجه به خطبا... 108

* ترغیب به فراگیری زبان عربی... 109

* فراگیری زبان خارجی... 110

* بهسازی و توسعه تشکیلات دینی... 110

* علم و دین... 112

* رساله عملیه... 114

* مسائل جدید... 116

فصل پنجم: مرجع و پیوندهای اجتماعی

* برآوردن نیازهای مردم... 119

* کارگر و کشاورز... 121

* توجه به افکار عمومی... 122

* نیازمندان... 123

* جوانان، نیروهایی که باید به کار گرفته شوند... 124

* رضایت مردم... 126

* مراقبت از اجتماع و جلوگیری از گرایشهای انحرافی... 127

* مبارزه با انحرافات... 128

* مبارزه پی گیر... 129

* انتشار کتب به زبانهای مختلف... 129

* انتشار نامه های مفید... 130

* علما و جامعه... 131

* نگارش خاطرات... 132

فصل ششم: مرجعیت در مسیر ترقی و پیشرفت

* ارتباط با جهان... 135

* نگرش جهانی... 136

* تحولات جهانی... 136

* آینده نگری... 137

* نفوذ در کانون های قدرت [جهانی]... 138

* اثر گذاری مداوم... 139

* اقلیت های غیرمسلمان در کشورهای اسلامی... 140

* تهیه نقشه ای برای فعالیت ها در جهان اسلام... 141

* اضطراب در تقدّم... 143

* اعزام مبلغان به کشورهای غیر اسلامی... 144

* به کارگیری قدرت های سیاسی... 147

* توجه پیوسته به هدف... 148

* بهره گیری از فن آوری روز... 149

* صلح خواهی... 150

* مبارزه با انحرافات بزرگ... 151

* شرك و بی دینی... 152

* سخن آخر... 155

ص: 10

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الامام الحجّة - عجل الله تعالى فرجه الشريف - أمّا الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا، فإنّهم حجّتي عليكم وأنا حجّة الله عليهم.

در پیش آمدها به راویان حدیث ما رجوع کنید، که آنان حجّت من بر شمایند و من حجّت خدا بر آنان هستم.

«کمال الدین، ص 483»

ص: 11

عالمان وارثان پیامبران اند؛

از آنان مال و زمین به ارث نمی‌برند...؛

بلکه وارث خصلت‌های اخلاقی و مسئولیت‌های آنانند؛

علم و تقوا و مسئولیت‌های اجتماعی آنان را ارث می‌برند.

عالمان مسئولیتی را که پیامبران در راستای سامان بخشی به امور مردم و حفاظت آنان از ابتلا به دردهای اجتماعی و روحی بر عهده داشتند، به ارث می‌برند. و از این رو، عالمان در جامعه اسلامی دارای منزلت بوده و شخص مرجع، به جهت برتری اش بر دیگر عالمان در حوزه اهل علم، از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است.

پس اگر نبوت، با برترین آنان، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله خاتمه یافت و در زمان غیبت کبری نیز دست ما از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛ کوتاه

ص: 13

است، ولی عالمان، حاضر و آماده دستگیری از مایند. آنان ادامه دهنده راه پیامبران و اماماند. و دارای همان حقوق ائمه علیهم السلام بر امت و همان مسئولیت هاینند؛ زیرا ایشان وارثان پیامبران و نایبان ائمه اطهار علیهم السلام هستند. هرگاه حادثه ای رخ دهد، دیده ها به سوی عالمان دوخته می شود و آن زمان که ناامیدی دنیا را فرا گیرد، درخششی نورانی از وجود عالم بر امت پرتو می افکند و امید را در میان آنان زنده می سازد و از نو، شور و نشاط را در میانشان بر پا می دارد.

هنگامی که به تاریخ نظری بیفکنیم، کارنامه ای را می نگریم سرشار از صفحات نورانی از زندگانی عالمانی که نقش بزرگی در احیای امت اسلامی ایفا کرده اند.

عالمانی که امت را از تباه شدن در سردرگمی های جریانات انحرافی نجات بخشیده اند؛

عالمانی که به علم و عالم هویت بخشیده اند، همانند شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی (اعلی الله مقامه)؛

عالمانی که پاسدار وحدت مسلمانان بوده اند؛ چون علامه حلی (قدس الله روحه)؛

عالمانی که با دشمنان دین به جهاد پرداختند؛ چون سید محمد مجاهد و میرزا محمد تقی شیرازی (اعلی الله مقامهما)؛

عالمانی که در برابر حاکمان ستمگر و شرارت استعمارگران ایستادند؛ چون میرزا محمدحسن شیرازی معروف به مجدد (رضوان الله تعالی علیه).

تاریخ مرجعیت شیعه پر است از موضع گیری های سرفرازانه و جلوه های تابناک که نشان گر اصالت مراجع و موقعیت ممتاز و مورد توجه آنان در جامعه اسلامی است.

تاریخ شیعه، اندیشه متكاملی درباره مرجعیت شیعه، مبانی، اهداف، صفحات مرجع، ارتباط مرجع و امت، صفات کارگزاران در حوزه مرجعیت را تجسم می بخشد و این ها امور مهمی است که توضیح آن ضروری است.

لذا باید روزی کارنامه مرجعیت گشوده شود تا با شخصیت مرجع، مسئولیت ها و حقوق وی و شیوه هایی که مرجع باید در عمل به کار گیرد آشنا شویم.

باید چهره کاملی از مرجعیت نمونه، که نجات بخش امت از حیرت بوده و توانایی رهبری امت تا ساحل سلامتی را دارا است، ترسیم نمود.

باید امت را با رهبری شایسته، صفات، روش ها و برنامه ریزی های او در راه اصلاح امت آشنا ساخت.

چه کسی می تواند این پرونده را بگشاید؟

چه کسی می تواند درباره مرجعیت با صدایی رسا و قلمی توانا

قاعدتا بهتر است، آن که درباره مرجعیت سخن می گوید، خود نیز مرجع باشد تا از تجربه خویش در مسئولیت مرجعیت نیز سخن گوید و گفته اش مورد قبول دیگران افتد و اگر می نویسد، نوشته اش مورد توجه واقع شود.

نوشتاری که پیش روی شماست، کتابی است در باره مرجعیت، به قلم مرجعی که طبیعتا آشنا به مسئولیتها و وظایف آن است. کتابی که مجموعه گسترده ای از موضوعات مرتبط با مرجعیت، صفات و وظایف مرجع، برنامه ها، اهداف، مؤسسات، ارتباطات و راه های پیشرفت مرجعیت را به بحث کشیده است.

این کتاب به قلم مرجعی است که کارنامه درخشانی در تاریخ مرجعیت دینی داشته؛ چرا که این مسئولیت را بیش از چهل سال به عهده داشته و موفقیت وی در عرصه های گوناگون دینی و اجتماعی، گواه لیاقت و کاردانی علمی و قدرت مدیریتی اوست.

آیه الله العظمی شیرازی، بی نیاز از معرفی است؛ فقیهان، او را از درس های خارج وی، که سال ها در حوزه های علمیه کربلا و کویت و قم ارائه کرده است، شناخته اند، و حوزه های علمیه از طریق موسوعه های فقهی و اصولی وی، با او آشنا شده اند. فرهیختگان نیز او را با کتاب های

بسیارش در موضوعات مختلف شناخته‌اند و عموم افراد جامعه نیز از طریق فعالیتهای اجتماعی و مؤسسه‌هایی که بنیان نهاد، با وی آشنایند. او در این کتاب تجربه مرجعیت خویش را تقدیم می‌کند تا مشعلی فروزان باشد برای هرکس که می‌خواهد این مسئولیت را برعهده گیرد، و این ویژگی تألیفات آیه‌الله شیرازی است؛ او از سرچشمه جوشان معرفت می‌نویسد؛ او در خویش، آگاهی و تجربه‌های پیمودن راه طولانی کار در میدان‌های گوناگون مرجعیت: فرهنگ، آموزش، تربیت و مدیریت را جمع کرده است.

منبع اصلی این کتاب و برخی دیگر از کتاب‌هایی که آیت‌الله العظمی شیرازی نگاشته، همان تجاربی است که ایشان در طول دهه‌های پربار زندگی‌اش کسب کرده است و این سال‌ها مهم‌ترین دوره از تاریخ معاصر می‌باشد؛ چرا که این دوره، شاهد تحولاتی بنیادین و ریشه‌ای، گسترده و فراگیر بوده است. تحولاتی که همه جهان اسلام و همه بخش‌های جامعه اسلامی را فرا گرفته است. بنابراین، قلم او آینه‌ای است که تجربه امت اسلامی در تاریخ معاصر را به درستی نشان می‌دهد و همچنین تدوین حوادثی تاریخی است که برای همیشه باقی خواهد ماند.

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين واللعنة الدائمة على أعدائهم إلى قيام يوم الدين.

ش-ايد بتوان گفت م-رج-عیّت، که در وج-ودع-ال-م-ان-م-نص-وب به نیابت [عامه] از سوی امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) تجسم یافته است، یکی از سخت‌ترین دوره‌های خود در طول تاریخ طولانی‌ش را سپری می‌کند. و چه بسا زمان ما از دشوارترین دوره‌هایی است که امت اسلامی در تاریخ معاصر به خود دیده است؛ چرا که جهان کفر نیروهای خود را بسیج کرده و خویش را آماده ساخته تا ارزش‌های معنوی امت اسلامی را نابود سازد.

به هرکجا که بنگری، صحنه‌ای دردناک و ترس‌آلود را می‌بینی؛ کشتار برنامه‌ریزی شده، چیزی است که مسلمانان در هر سوی عالم اسلام انتظارش را می‌کشند. در هر لحظه، شخصیت ستاره‌گونه‌ای از مسلمانان در این کشورها ذبح می‌شود و در کنار این کشتارها زندانها و بازداشتگاههایی است که برپا می‌شود تا فرزندان شایسته اسلام را زیر شکنجه قرار دهند.

دشمنان اسلام به ایجاد ترس و وحشت در این حدّ بسنده نکرده‌اند؛

بلکه در بلاد اسلامی، به نشر فساد و لأبالی گری و پوچ گرایی پرداخته اند؛ به گونه ای که نمی توان برخی از شبکه های تلویزیونی کشورهای اسلامی را از شبکه های ماهواره های کشورهای غربی تشخیص داد.

در برخی از پایتخت های کشورهای اسلامی، تجارت فحشا مانند خرید و فروش مواد غذایی مجاز است. شراب کالای رایجی شده که حکومت ها در رواج آن می کوشند و زمینه تبلیغ آن را در صفحه تلویزیون ها و انظار عمومی و خیابان ها فراهم می سازند. در برخی از کشورهای اسلامی، به دختران جوان اجازه می دهند تا در برابر چشم مردان نامحرم شنا کنند، و در بعضی دیگر استخرهای مختلط وجود دارد که دختر و پسر در آن به کامجویی حرام می پردازند.

در عرصه اجتماعی نیز ارزش های انسانی ای که مسلمانان را به هم پیوند می داد و از آنان پیکر واحدی می ساخت، آن گونه که اگر يك عضو ناراحت می شد، اعضای دیگر با بیداری و تب با آن هم نوایی می کردند، فرو ریخت (1).

پس از آن که مؤنان چون دندان های شانه پشتوانه یکدیگر بودند،

ص: 20

1- . اشاره است به این روایت از امام صادق علیه السلام: المؤمنون فی تبارهم و تراحمهم و تعاطفهم کمثل الجسد اذا اشتكى تداعى له سائرہ بالسهرة والحمى؛ مؤنان در نیکی، مهرورزی و عطوفت به یکدیگر همانند يك بدنند که چون عضوی به درد آید، دیگر اعضای بدن گرفتار ناآرامی شبانه و تب می شوند. بحار الأنوار، ج 74، ص 274، ح 19.

امروز برادر، برادر خویش را خوار می سازد و هیچ گونه تعهدی را نسبت به وی رعایت نمی کند.

ارزش های، تعاون و همیاری، برادری و مساوات از بین رفته و ارزش های سست جاهلی است که کشورهای اسلامی را یکی پس از دیگری در می نوردد و بر آن ها حاکم می شود.

در عرصه خانواده، کانون مقدّسی که اسلام بین همسران، پدر و پسر و نیز مادر و دختر ایجاد کرده بود، فرو ریخته است و زن به عنوان شریک زندگی، با این احساس که به خود کفائی رسیده و نیاز به همسر ندارد، کانون خانواده را رها کرده است. و به این ترتیب نظام خانواده که به مرد حق سرپرستی در خانه را واگذار می کرد، از هم گسیخته است و هرج و مرج و اضطراب و بی ثباتی جایگزین آن شده است. فرزند راه خود را در بیرون خانه انتخاب کرده، به مقدّسات خانواده، اهانت و به راهنمایی های پدر و هدایت های مادر بی اعتنایی می کند و ارزش ها در دل فرزندان بر اثر درگیری مداوم در درون خانواده، مُرده است.

امت اسلامی، هدف طمع ورزی های دولت های استعمارگری قرار گرفته که چراگاه سبز و خرمی را برای اهداف خود در درون مرزهای کشورهای اسلامی یافته اند؛ چرا که سرزمین های اسلامی، ذخایر فراوانی را در خود جای داده که بدون آن، چرخ تمدّن غرب از حرکت باز می ماند.

از يك سو، منابع اوليه انرژی به وفور و با حجم زیادی در سرزمین های

اسلامی، موجود است و از سوی دیگر، کارگاه ها و کارخانه های غربی، مواد اولیه مثل آهن، آلومینیوم، نیکل و مانند آن را به هر اندازه که بخواهند در کشورهای اسلامی می یابند؛ معادنی که در صنعت های پیشرفته از قبیل هواپیماسازی، اتومبیل سازی و راه آهن به کار گرفته می شود. و کشورهای اسلامی علاوه بر مواد اولیه، از مقدار زیادی محصولات زراعی استراتژیک نیز برخوردارند؛ مانند، گندم، جو، ذرت، پنبه، قهوه و...، اجناسی که پس از تبدیل به محصولات ترکیبی دیگر، سود سرشاری برای غرب خواهد داشت.

غرب به واسطه دست یابی به مواد اولیه معدنی و زراعی توانسته به رتبه بالایی از پیشرفت صنعتی در امور نظامی، ارتباطات و الکترونیک دست یابد و کارخانه های تولید سلاح، فزونی یابد؛ همان ها که در درجه اول به سوی کشورهای اسلامی سرازیر می شود تا در کشتار مسلمانان به کار گرفته شود، چه در میدان های جنگ میان دولت های اسلامی و چه در میدان های درگیری حکومت های ستمگر با مردم خویش؛ و این چنین است که مسلمانان دو خسارت را متحمل می شوند: اول آنکه دولت های استعمارگر بر مواد اولیه زراعی و معدنی آنان مسلط می شوند و دیگر آنکه مسلمانان اموال خویش را به استعمارگران می دهند تا تولیدات کارخانه های غربی که عمدتاً جدیدترین سلاح های کشنده است را خریداری کنند.

مسلمانان در برابر این سیاست ویران‌گر که دولت‌های استعماری علیه آنان به کار می‌گیرند، چه کرده‌اند؟ آیا بدون دست‌یابی به ابزار لازم می‌توان در برابر این ویران‌گری مداوم آنان ایستادگی کرد؟

پیامبرانی که بر دشمنانشان پیروز شدند، همان‌هایی بودند که یاران و امکاناتی داشتند و بواسطه آن توانمند شدند، اما آن دسته که از این قدرت محروم بودند، در نهایت به شهادت رسیدند؛ گرچه شهادت نیز خود پیروزی است. پس هم‌اکنون لازم است تلاش جدی کرد و ابزار قدرت را به دست گرفت که تنها با این شیوه می‌توان با دشمنان رویارویی کرد.

گویند: هنگامی که دولت صفوی در معرض هجوم بیگانگان قرار گرفت. از سلطان حسین، پادشاه وقت، پرسیدند: برای درگیری با دشمن متجاوز چه اندازه لشکر، امکانات و وسایل جنگی آماده کرده‌ای؟

گفت: از مردم خواسته‌ام تا آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ...»⁽¹⁾ را پس از نماز ده بار بخوانند!

و نتیجه این بود که سلطان حسین شکست خورد؛ چرا که امکانات لازم را برای جنگ فراهم نیاورده بود.

البته ما منکر تأثیر دعا و تلاوت قرآن در رسیدن به پیروزی نیستیم و این تأثیر در قرآن نیز یاد شده است. در آنجا که فرموده:

ص: 23

«قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (1)؛ بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند.

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (2)؛ و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

ولی آیا تنها خدا ما را به دعا دستور داده است؟

مگر خدای سبحان نمی فرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (3)؛ و هر نیرویی که در توان دارید برای مقابله با دشمنان آماده سازید.

و نیز می فرماید:

«وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعِدُّوا لَهُ عُدَّةً» (4)؛ و اگر [به راستی] اراده بیرون رفتن (به سوی میدان جهاد) داشتند، قطعاً برای آن ساز و برگی تدارک می دیدند.

و می فرماید: «كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ» (5)؛ هرکس در گرو دستاورد خویش است.

ص: 24

1- . فرقان، آیه 77.

2- . غافر، آیه 60.

3- . انفال، آیه 60.

4- . توبه، آیه 46.

5- . طور، آیه 21.

و می فرماید: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ» (1)؛ سبک بار و گران بار، بسیج شوید و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید.

و می فرماید: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَى» (2)؛ و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست و [نتیجه] کوشش او به

زودی دیده خواهد شد.

و می فرماید: «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (3)؛ و بگو: [هر کاری می خواهید] بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگریست.

و می فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (4)؛ و کسانی که در راه ما کوشیده اند، به یقین راه های خود را بر آنان می نمایم.

نخستین کلمه ای که از آسمان بر قلب پیامبر ما، حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شد، واژه «اقْرَأْ» (5) (بخوان) بود و این کلمه، دستور انجام کار است.

در برابر این مجموعه بزرگ از آیات قرآن و این سیره عطرآگین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام، ما جز این که آماده اقدام و عمل شویم و ابزار

ص: 25

1- . توبه، آیه 41.

2- . نجم، آیات 39 و 40.

3- . توبه، آیه 105.

4- . عنكبوت، آیه 69.

5- . علق، آیه 1.

سازندگی را بگیریم تا با صلابت ایمان در برابر لشکر کفر بایستیم، راهی نداریم. و وسیله ما در این راه قدرت [رهبری اجتماعی و دینی] جمع شده در مرجعیت است.

ما معتقدیم، اگر چه راه طولانی است و دشمنان بسیار، اما اگر مسلمانان با هم متحد شوند و تحت رهبری مرجعیت قرار گیرند، قدرت بزرگی خواهند بود که هیچ کس نمی تواند در برابر آن بایستد. همانطور که امواج پر قدرت دریاها و اقیانوس های بزرگ از قطرات کوچک آب که به هم پیوسته اند تشکیل شده است. خدای متعال به مؤنان وعده داده است که آنان را جانشینان خویش در زمین سازد و هر چه را در زمین است، به آنان بسپارد(1)؛ و همچنین فرموده است: «وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا»(2)؛ و کلمه کسانی را که کفر ورزیدند پست تر گردانید، و کلمه خداست که برتر است. و این بر خداوند دشوار نیست.

«إِنَّهُ لَا يَأْتِيَنَّ مِنَ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ»(3)؛ جز گروه کافران کسی از رحمت خدا ناامید نمی شود.

آنچه را می گوئیم تنها بیان الفاظ نیست؛ چرا که بر گفته خویش شاهی آشکار و تجربه ای موفق در رویارویی با قدرت های کفر داریم که در

ص: 26

1- . قصص، آیه 2.

2- . توبه، آیه 40.

3- . یوسف، آیه 87.

من با کسانی که برای سامان دهی مرجعیت از زمان مرحوم میرزا محمّد حسن شیرازی قدس سره تلاش و همکاری داشته اند، نزدیک بوده ام و افتخار همکاری و تلاش در سایه مرجعیت دینی مرحوم والدم قدس سره که با وفات مرحوم سیدابوالحسن اصفهانی قدس سره و حاج آقا حسین قمی قدس سره شروع شد داشته ام و این همکاری تا زمان نوشتن این کتاب ادامه دارد.

مرجعیت در تاریخ طولانی اش در سخت ترین درگیریها بر ضدّ دشمنان اسلام وارد شده است و مسئولیت امور مختلف امت اسلام را به عهده گرفته و مسئولیت دینی، سیاسی، اجتماعی و حتّی اقتصادی را در برخی زمان ها بر دوش داشته و نقشی اساسی و کلیدی در مسائل مختلف جامعه اسلامی در ایران، هند، فلسطین، پاکستان و عراق داشته است. بیت مرحوم والد (آل شیرازی) نیز نقش مهمی در تصمیم گیری ها و موضع گیری های سیاسی و اجتماعی از بدو نهضت تنباکو تا قضایای اخیر و پیش آمد ثورة العشرین (1) در عراق داشته است. و چقدر آرزو می کردم که در آن زمان می بودم؛ دوره مهمی از تاریخ که شاهد شکل گیری نهضت اسلام بر ضد کفر جهانی، به رهبری مرجعیت بود؛ و حال که این هم زمانی نصیبم نشد و

ص: 27

1- . اشاره به انقلاب عراق و مقاومت در برابر انگلیسیها در سال 1920 میلادی به رهبری آیه الله العظمی شیخ محمّد تقی شیرازی قدس سره است.

آن روزگار نبوده ام، ولی این توفیق را داشته ام که با تعداد بسیاری از علما و مراجع که در آن دوره و در آن قضایا نقش مهمی داشته اند، همراه شوم و از تجربه ها و اطلاعات آنان بهره فراوان ببرم.

معاشرت دائمی با تصمیم گیرندگان آن زمان، گنجینه ای از تجربه ها و آگاهی هایی را در زمینه مرجعیت برایم پدید آورد که همیشه در این فکر بودم تا آن را بصورت کتابی در آورم، تا اولاً این تجارب به فراموشی سپرده نشوند و ثانیاً، برای کسانی که به این میدان مقدس پا می نهند، سودمند باشد و ثالثاً، این اطلاعات را در اختیار کسانی قرار دهم که می خواهند به عنوان بخشی از تاریخ با آن آشنا شوند. و به همین دلایل و غیر آن این کتاب تدوین شد تا در اختیار خوانندگان گرامی قرار گیرد.

امیدم در این نوشته و تقدیم و ارائه برخی از اندیشه ها در حوزه این نهاد با اهمیت، که مسئولیت دفاع از امت اسلامی و اداره شئون آن را به عهده دارد، دست یابی به خشنودی خدای تبارک و تعالی است. امیدوارم که خدای متعال این کتاب را مشعلی فروزان در راه حق قرار دهد؛ که او خوب سرپرست و نیکو یآوری است.

محمد شیرازی

کربلای معلّی

ص: 28

مرجع تقلید، به عنوان نائب امام معصوم علیه السلام برای سعادت‌مند کردن مردم در دنیا و آخرت، باید به زینت خشوع و ترس از خدا آراسته گردد و بدون تقوا و خداترسی، این نقش را نخواهد داشت؛ چرا که راهبری مردم، نیازمند اخلاص و مقدم داشتن مصلحت عموم بر مصلحت شخصی است، و این جز با خوف از خدا پا نمی‌گیرد؛ همان گونه که هدایت صحیح مردم به سوی خدا، جز با معرفت کامل نسبت به خدا تحقق نمی‌یابد و معرفت کامله نیز ملازم با خوف از خداست و در حقیقت، معرفت خدا و خوف از او به مانند دو شاخه يك درختند که از هم جدا نمی‌شوند.

عدالت نیز یکی از شرایط فقیه است و فقیه با دارا بودن ملکه عدالت(1)،

ص: 31

1- . مرحوم سید محمد کاظم یزدی قدس سره در کتاب عروة الوثقی، ج 1، ص 12، مسأله 23، عدالت را این گونه تعریف کرده است: «عدالت عبارت است از ملکه روحی بر انجام واجبات و ترك محرمات و عدالت با حُسن ظاهر فرد، که به یقین و یا ظن کاشف از عدالت وی باشد، شناخته می‌شود، و نیز با گواهی دو عادل و شهرتی که یقین آور باشد، ثابت می‌گردد».

جامع شرایط برای تقلید (1) می شود.

ترس و خشیت از خدا، در جاتی دارد: يك مرتبه آن این است که انسان خدایش را در هر حرکت و سکونی با چشم دل، در برابر خویش حاضر بیند و بداند که حتی در مقابل کوچکترین اعمال، از او حساب می کشند: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (2).

و این ممکن است که انسان در وجود خویش، خصلت پایدار خشیت و خداترسی را پرورش دهد تا در نتیجه از هر گناه و خطایی پرهیز کند.

مؤمنان آن گونه که خدای سبحان در وصفشان فرموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (3) «هرگاه نام خدا برده شود، دل هایشان ترسان می گردد و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده می شود، ایمانشان فزون تر می شود و تنها بر پروردگارشان توکل دارند»، چرا که مؤمن با خوف و رجا زنده است و ترس و امید، دور کن ایمان راستین است که انسان را به توکل و عمل صالح وا می دارد.

بهترین راه برای رسیدن به مرتبه خشیت، اندیشیدن پیوسته به مرگ و

ص: 32

-
- 1- . مرحوم سید محمد کاظم یزدی قدس سره در کتاب عروة الوثقی، ج 1، ص 11 و 12 در مسأله 22، آورده است: «در مجتهد، اموری شرط است: بلوغ، ایمان، عدالت، مرد بودن، آزاد بودن بنابر قولی، مجتهد مطلق بودن (در تمام ابواب فقه) و زنده بودن...».
 - 2- . زلزله، آیات 7 و 8.
 - 3- . انفال، آیه 2.

قبر و یاد آخرت است؛ دائما به یاد تنهایی و وحشت قبر باشد و توجه داشته باشد که در گرو عمل خویش است و تمام اعمال او در آخرت، در برابر مردم و خدای سبحان آشکار خواهد شد و باید پاسخگو باشد.

پدرم رحمه الله همیشه به من می فرمود:

آن گونه باش که اگر عملت را در برابر مردم بگشایند، در آن، چیزی که موجب خجلت تو گردد، پیدا نشود.

از راه های تقویت خداترسی، مواظبت بر عبادت و طاعت با اخلاص و انجام نمازهای مستحب، به ویژه نماز شب و تلاوت قرآن و زیارت اهل قبور است. البته به شرط تحقق اخلاص در انجام این عبادات؛ زیرا اخلاص قلب مؤمن را در حالت حضور دائم قرار می دهد و آنچه را از عبادات انجام می دهد درك می کند و آنچه در اثناء عبادت می گوید می فهمد.

و از راه های تعمیق خداترسی، گریه و تضرع به درگاه الهی است. خصوصا در ساعات نیمه شب، که انسان آمادگی گریه و تضرع به درگاه الهی را دارد؛ زیرا در آن ساعات اعماق ضمیر و وجدان انسان بیدار می شود و با توجه خاصی به درگاه الهی رو می کند.

همچنین باید برای تضرع به درگاه الهی مکان مناسبی را برگزیند، مانند صحراهایی که هیچ کس در آنجا نباشد و با عمل خویش خلوت کند و جز خود و عمل خود را نیابد و بداند که به زودی با خدایی دیدار می کند که او را برای هر کار کوچک و بزرگی محاسبه می نماید.

موعظه نیز تأثیر بزرگی در کاشت بذر خشیت دارد و بالاترین موعظه،

توجه به حالات پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام و تدبّر در مواعظ آنان است که بسیاری از این موعظه ها در کتاب هایی چون: کافی، محاسن برقی، بحار الأنوار و جامع السعادات و... ذکر شده است.

* تربیت روحی

با توجه به این که مرجع، پیشوا و مقتدای جامعه است و مردم به او تاسی می کنند، لازم است به بُعد معنوی و روحی خویش توجه ویژه داشته باشد؛ بیش از همه، قرآن و دعا تلاوت کند و نیز به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، خصوصا حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) توسل جوید؛ چرا که مرجع، وکیل و نماینده امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که همه چیز [ما را] می داند و می بیند و زنده و حاضر است. چگونه مرجع تقلید از امامی که نماینده و وکیل اوست استمداد نکند، و در مشکلات و سختی ها و رفع حوائجش از آن حضرت یاری نجوید؟

و سزاوار است که مرجع [مرتبا] در امور مهمه و سختی ها و مشکلاتش به محضر آن حضرت عریضه (1) بنویسد تا شامل لطف و عنایت آن بزرگوار گردد؛ و البته و صد البته که آن حضرت دست ردّ بر سینه درخواست کننده نمی زند.

ص: 34

1- . نامه ای که برای عرض حال و استمداد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته می شود. برای تفصیل بیشتر ر.ک: الدعاء والزيارة، ص 105، اثر مؤلف.

زهد یکی از بزرگ ترین عوامل تربیتی است که انسان را به سوی عمل صالح سوق می دهد و او را در راه حق و تلاش برای خدا قرار می دهد. لذا مرجع، باید در زندگی دنیا زاهد و راغب به آخرت باشد و قبر و قیامت، همیشه در برابرش مجسم باشد.

زهد، تنها کم خوردن و کم نوشیدن و کم پوشیدن نیست؛ زهد آن است که از درون قلب انسان بجوشد، و مرجع باید ملکه زهد را در نفس خود پرورش داده و تقویت نماید.

هنگامی که زهد واقعی در روح و جان و ظاهر و باطن مرجع پدیدار گشت، سبب هدایت مردم می گردد؛ چرا که دیدارش، مردم را به یاد پیامبران و صالحان می اندازد و اثر آن، در ایمان و عقیده مردم نمایان می گردد.

زهد بهره مند نشدن از زندگی نیست؛ خدای متعال می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»⁽¹⁾؛ «بگو چه کسی

زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی های پاکیزه را حرام کرده است» بلکه زهد، عدم وابستگی به دنیا و فرو نرفتن در شهوات حیوانی و احتیاط در موارد شبهه ناک است.

زهد علاوه بر این که برای جلای روح سودمند است، سبب می شود تا

ص: 35

بسیاری از مردم بر محور دین گرد آیند؛ چرا که می بینند نماینده دین، فردی است که در ادعای دینداری صادق است و با این که اموال زیادی در اختیار دارد، همانند فقرا و بلکه پایین تر از زندگی آنان است.

* بدگمانی به خویش

در دعای معروف مکارم الاخلاق از امام زین العابدین علیه السلام آمده است:

اللهم صلّ على محمد و آل محمد و حلّني بحلّية الصّالحين... و إستقلال الخير و إن كثر من قولي و فعلي؛ (1) خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا به زیور صالحان بیارا؛ تا آنجا که می فرمایند:

و کم شمردن خوبی [هایم]؛ گرچه خوبی گفتار و رفتارم فراوان باشد.

مرجع همیشه باید خود را مقصّر بدانند و کارهایی را که انجام می دهد، در برابر آنچه که باید انجام دهد، کم ببینند؛ و این سبب تقدم و پیشرفت و تعالی خواهد شد. ولی اگر کارهای خود را بزرگ و بسیار بدانند، به آن اکتفا می کند و به کارهای بیشتری که از او انتظار می رود، دست نمی یازد.

به راستی که هرچه انسان در راه خدا کار کند، نسبت به آنچه از وی خواسته شده کم است؛ چرا که از انسان خواسته شده تا همه بشر را هدایت کند و تمام پهنه گیتی را آباد سازد. و لذا مرجع باید فعالیت‌های خود را با این

ص: 36

1- . صحیفه سجادیّه، ص 104؛ و نیز ر.ك: الدعاء و الزيارة، ص 214 اثر مؤف.

هدف بزرگ مقایسه کند. مرجع باید همیشه از خویش عیب جویی کند و همیشه در اندیشه تعالی و تقدم باشد و دائما در تلاش برای سربلندی پرچم اسلام و کلمه لا اله الا الله بکوشد.

*** پیروی از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم**

چون مرجع نماینده امام علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، سزاوار است که روش رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در رفتار خود الگو قرار دهد؛ چرا که روش نورانی پیامبر، از مهم ترین دلایل توجه مردم به اسلام و همچنین از پایه های پیشرفت اسلام است.

مردم به این دلیل گرد پیامبر صلی الله علیه و آله جمع شدند که می دیدند ایشان، سرشار از نشاط و شادابی روحی در عبادت و اطاعت خدا، اخلاقی زیبا، هم زیستی نیکو با مردم، رفتار خوب با خانواده، جود و بخشش، شجاعت، دعوت مردم به خیر و هدایت آنان به حق، مبارزه با باطل و دارا بودن صفات ارزشمند برای ساختن و اصلاح جامعه در همه ابعادش و... بود.

بنابراین، آراسته شدن مرجع به صفات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، حتی در امور دنیایی، موجب می شود که مردم به او نزدیک شوند و گرد او جمع گردند و این سبب می شود که راه برای اجرای احکام اسلام آسان شود.

البته آراسته شدن به این خصلت های والا، گرچه مشکل است،

خصوصاً در بعضی موارد آن؛ اما باید توجه داشت که فایده ای که بر آن مترتب است، بسیار بزرگ است، و چون دشوار است نمی توان مقدار ممکن آن را از دست داد؛ چرا که «المیسور لایترک بالمعسور»⁽¹⁾.

* شرح صدر

این بسیار مهم است که مرجع پیوسته لبخند بر لب داشته باشد؛ چرا که تبسم و لبخند، نشانه شادابی و نشاط است.

تبسم همچون آینه ای است که توان شخصیتی مرجع را نشان می دهد. تبسم بیانگر آن است که مرجع از شرایط سخت متأثر نمی شود. افزون بر این، تبسم از فشارهایی که همیشه به دلیل کار بسیار و سختی های آن، سلامتی مرجع را تهدید می کند، می کاهد. اگر مرجع، شادابی و نشاط و تبسم و کوچک شمردن سختیها را عادت خویش نسازد، قوای او از دست می رود و پیوسته عبوس و گرفته خواهد بود، و این باعث ضعف در انجام امور و چه بسا رکود و از کار افتادگی و اضمحلال را به دنبال داشته باشد.

فلذا ضروری است که مرجع، گشاده دلی و گشاده رویی و تبسم همیشگی را در خود حفظ کند و نعمت هایی که خدای متعال به وی ارزانی داشته را به خود یادآور شود و قصص کسانی را که از وی تلاش و فعالیت بیشتر کرده اند و در عین حال کمتر گرفته و عبوس بوده اند یاد کند و از همه مهمتر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که اخلاق بسیار بزرگی داشتند اقتدا کند، تا بتواند

ص: 38

وظایف خویش را با تمام نیرو و شادابی کامل انجام دهد.

از مهم ترین عوامل شرح صدر و حفظ نشاط، توکل بر خدا، مدارای با مردم، گذشت از کسی که بدی کرده، برآوردن نیاز نیازمندان، آمادگی برای کار مداوم و توجه به ثواب و پاداش الهی است.

* توجه نخست به دیگران

«وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (1)؛ با این که خود در سختی و تنگدستی هستند دیگران را بر خویش مقدم می دارند.

الجار ثم الدار (2)؛ ابتدا همسایه و سپس خانه. این حدیثی است از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آن را روایت کرده اند.

این آیه و حدیث، اصل مهمی را برای انسان بیان می کنند که در بهره ها و نعمت ها، دیگران را بر خود مقدم بداریم و البته کسانی که به این اصل عمل می کنند، از خیر دنیا و آخرت بهره مند خواهند شد و مرجع به عنوان

ص: 39

1- . حشر، آیه 9.

2- . وسائل الشیعه، ج 7، ص 112، باب 42، ح 8884؛ نقل حدیث از امام حسن علیه السلام از مادرشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. ایشان می فرمایند: مادرم فاطمه علیها السلام را دیدم که در شب جمعه ای در محراب عبادت ایستاده بود و تا طلوع فجر همچنان به رکوع و سجود مشغول بود و شنیدم که برای مردان و زنان با ایمان دعا می کرد و آنها را نام می برد و بسیار دعایشان می نمود، ولی برای خود دعائی نمی کرد. گفتم: چرا برای خود دعا نمی کنی آن گونه که برای دیگران دعا می کنی. مادرم فرمود: ای فرزندم، اول همسایه و آنگاه خانه.

خدمتگزار مردم نیز شامل این امر است.

بهره ای که مرجع از این ایثار، در دنیا به دست می آورد، علاوه بر اجر و پاداش اخروی، تجمع مردم بر محور دین خواهد بود.

* پاسخ مثبت به مردم

شایسته است مرجع، خویش را به گفتن واژه «آری» عادت دهد. فرزدق در وصف امام سجاد علیه السلام می گوید:

ما قال لا قط إلا في تشهده *** لولا التشهد كانت لاؤ نعم (1)

«او هرگز جز در هنگام تشهد نماز، نه نگفته است و اگر در تشهد نه نبود، به جای آن هم، آری به کار می برد».

تا آنجا که ممکن است نباید مرجع، از واژه نه استفاده کند؛ بلکه همواره باید خواهان حل مشکلات مردم باشد و از رنج هایشان بکاهد. به کار بردن واژه نه از طرف مرجع به این معناست که راه ها به سوی گرفتار و حاجتمند بسته است.

همچنین مرجع، از جهات مختلف مورد هجوم و مخالفت واقع می شود، اما باید به این امر خدای متعال توجه داشته باشد که: «ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ بدی را به بهترین راه و روش دفع کن (پاسخ بدی را به نیکی بده).

ص: 40

مردم یکسان نیستند و حتی در بهترین جوامع، افراد بد رفتاری را در میان مردمان نیکو رفتار، بسان علف های هرز و مضر که در میان شکوفه ها و گل ها می رویند، می بینیم.

از آن رو که مرجع در میان جامعه، شخصیت سرآمدی است، افراد زیادی به دلیل حسادت، در صدد ضربه زدن به او بر می آیند و در برابر وی شمشیر قلم و زبان را از نیام می کشند و برای این که مردم به او نزدیک نشوند، اتهامات بسیاری نسبت به او روا می دارند. از این رو مرجع باید به صبر و آرامش و خویشتن داری آراسته گردد و عکس العمل سریع نشان ندهد؛ عکس العمل هایی که تأثیری در بازداری حسودان ندارد و تنها بر هجوم و استمرار حسادت و کینه توزی آنان خواهد افزود(1).

همچنین کسانی که عهده دار کارهای مرجعیت می شوند، باید از عکس العمل های منفی پرهیز کرده و در مقابل بدیهایی که نسبت به آنها روا داشته می شود، رفتاری مثبت و ایجابی داشته باشند؛ همانطور که خدای متعال می فرماید:

«إِدْفَعِ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ

ص: 42

1- . و همچنین باعث متزلزل ساختن موقعیت مرجع نیز می شود.

وَلَيْتِ حَمِيمٌ»(1)؛ [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و میان او، دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد.

امیر مؤنان علیه السلام نیز فرموده اند:

عاب أذاك بالإحسان إليه؛(2) برادرت را با نیکی به او، سرزنش کن.

در دعای مکارم الاخلاق از امام سجّاد علیه السلام آمده است:

وسدّني لأن أعارض من غسّني بالنصح؛(3) مرا تأیید کن تا با خیرخواهی با کسی که به من خیانت کرده، مقابله کنم.

مرجع باید سیره پیامبران و اوصیای آنان را اسوه نیکی برای زندگی و برخورد خود با حسودان و دشمنان قرار دهد؛ چرا که آنان بهترین برخورد را با دشمنان خود داشته اند.

* مرجع؛ اندیشه و تفکر

پیشرفت در جهان امروز بر پایه اندیشه و تفکر است.

رهبری و هدایت امت، منهای تفکّر، مساوی با شکست و اضمحلال است. امور امت، جز با اندیشه و برنامه ریزی پای نمی گیرد.

ص: 43

1- . فصّلت، آیه 34.

2- . نهج البلاغه، حکمت 158.

3- . صحیفه سجّادیه، دعای مکارم الاخلاق.

لذا بر مرجع است که با برنامه ریزی بر پایه تفکر و اندیشه صحیح، راهبری جامعه را بعهده گیرد و بتواند در ارتباط با شئون مختلف فقه، سیاست، امور اجتماعی و فرهنگی و... دیدگاه های کاملی ارائه دهد.

آن کس که اهل تفکر و اندیشه نباشد و طرح و برنامه مشخصی از خود نداشته باشد، اطرافیانش بر او مسلط می گردند و به جای آن که مرجع، آنان را هدایت کند، آنان مرجع را حرکت می دهند؛ و این از خطرناک ترین اموری است که مرجع دچار آن شود؛ چرا که در این صورت به شخصیتی تبدیل شده که دیگران از او بهره می برند.

همان گونه که در عرصه مرجعیت نیازمند اندیشه و تفکر عمیق هستیم، در عرصه های دیگر نیز به تفکر و طرح و برنامه نیازمندیم. امور امت، دولت ها، مؤسسات و... جز به دست توانای مفکران توانا سامان نمی گیرد.

در گزارشی از چگونگی اداره یکی از دولت ها می خواندم که تنها سه هزار نظریه پرداز و طراح و برنامه ریز در وزارت دفاع آن کشور مشغول به کار هستند. همچنین در کتابی خواندم که رژیم دست نشانده اسرائیل چهار هزار مؤسسه مطالعات و تحقیقات و طرح و برنامه دارد که در تمام موضوعات سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی مشغول به کار هستند. و موارد بسیار دیگری از این دست در امور اقتصادی و... در کشورها و مؤسسات دیگر.

هر سخنی که مرجع می گوید و یا می نویسد، اهمیت ویژه ای دارد؛ در نتیجه باید سنجیده سخن گوید و بنویسد.

چه بسیار که انسان از گفته اش پشیمان می شود؛ چرا که گفتنش بنایی را منهدم ساخته است. و همین طور چه بسا که نگفتن مطلبی، او را پشیمان سازد که اگر گفته بود، اَمّتی را زنده می کرد.

مرجعی را دیدم که با يك كلامش، مدرسه دینی ای ساخته شد و مرجع دیگری را مشاهده کردم که به سبب نوشته ای از او، مردم منطقه بزرگی از تقلید وی عدول کردند.

همین نکته درباره رفتار مرجع نیز صادق است؛ چه بسا کاری می کند که باعث هدایت گروهی می گردد و یا عملی انجام می دهد که گمراهی مردمی را در پی دارد و همین حالت در عدم انجام کاری از سوی مرجع نیز صادق است. بعنوان نمونه بعضی از فقها به زیارت بعضی از قبور [ی که به امام زاده ها نسبت داده می شد، اما نسبت آن مشکوک بود] نمی رفتند؛ چون زیارت مرجع، نزد مردم، دلیل درستی انتساب آن قبر می شد؛ در حالی که مرجع از آن مطمئن نبود.

مرجع، بایستی در جامعه، مؤر و با نفوذ باشد؛ وگرنه مرجعی ضعیف و ناتوان خواهد بود و چنین مرجعی در جوامع کنونی، مکانت و موقعیتی نخواهد یافت.

این قدرت نفوذ و اثرگذاری، تنها در سایه قدرت روحی و همّت بلند و ایمان کامل به خدای بزرگ فراهم می آید؛ به گونه ای که سخن امیر مؤنان علیه السلام بر او تطبیق کند که:

عظم الخالق في أنفسهم فصغر مادونه في أعينهم؛⁽¹⁾ خدای را بزرگ یافتند، از همین رو، غیر خدا را کوچک و ناچیز دیدند.

مرجع باید تلاش کند تا این قدرت روحی را به دست آورد و این از راه عبادت و بندگی خدا و تفکّر در عظمت خدا و عبرت گیری از زندگی پیامبران و امامان علیهم السلام میسر خواهد بود.

و نیز ضروری است که این نفوذ هم در دستگاه حکومتی باشد و هم در ساحت اجتماعی جامعه. ولی باید مواظب بود که مبدا نفوذ سخنش در بین مردم، نشأت گرفته از سلطه حکومتی باشد که احکام خدا را اجرا نمی کند؛

ص: 46

چرا که در این صورت، پایگاه مردمی اش را از دست خواهد داد و چونان کارمند دولت خواهد شد.

بنابراین، باید توان اثرگذاری مرجع از توان شخصی و درونی خویش نشأت گیرد و قدرت او نزد حکومت ها نیز از قدرت مردمی اش سرچشمه بگیرد. در این صورت است که مرجع می تواند احکام اسلام را اجرا کند. سنت و روش مراجع بزرگ گذشته نیز بر همین اساس بوده است.

ص: 47

فصل دوم : مرجعیت؛ مسئولیت ها و شیوه های اجرایی آن

اشاره

ص: 48

در دستگاه مرجعیت، باید از شخصیت های شناخته شده به پاکی، علم، شجاعت و توانا در اداره امور بهره گرفت و به چنین افرادی برای انجام امور مختلف اعتماد کرد؛ این افراد رابط میان مرجع و مردم هستند و مرجع را در جریان مسائل مهم مرتبط به مسلمانان قرار می دهند. همچنین مرجع را در انجام وظایفش یاری می دهند.

برای اینکه نیروهای مرتبط با دستگاه مرجعیت همراهی لازم را با مرجع داشته باشند، باید امور زیر انجام گیرد:

الف. تنها به جنبه مادی آنان توجه نداشته باشد؛ بلکه از نظر معنوی و روحی نیز به آنها رسیدگی نماید؛

ب. اگر از آنان خطایی سرزد و یا کار زشتی را مرتکب شدند، آنان را مؤخذه کند؛

ج. تصمیم هایی را که می گیرد، برای آنان توجیه کند تا آمادگی فکری و روحی برای اجرای تصمیم های وی را پیدا کنند.

* مراقبت از عملکرد اطرافیان

امیر مؤنان علی علیه السلام می فرماید:

من فسدت بطانته کان کمن غصّ بالماء فإنه لو غصّ بغيره لأساغ الماء غصّه ته؛ (1) هرکس که اطرافیانش فاسد شوند، چونان کسی است که آب گلوگیرش شده است؛ چرا که اگر چیز دیگری در گلویش گیر کرده بود، آب این گرفتگی را بر طرف می کرد (ولی هم اکنون راهی برای نجات وی نیست).

فاسد بودن اطرافیان، سبب می شود وجه مرجعیت خراب گردد و امیدی برای اصلاح باقی نماند.

بعضی از مراجع به اطرافیانی مبتلا می شوند که در حدّ شایسته ای نیستند و موجبات آزار مردم را فراهم می آورند و در نتیجه باعث نفرت مردم از مرجعیت می شوند.

بنابراین، مرجع باید مراقب اطرافیان خود باشد و برای اصلاح خطاها و لغزشهای آنان تلاش کند. در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می بینیم، اگر کار خلافی از اطرافیانش سر می زد، به اصلاح آن می پرداخت و جبران می کرد. نمونه آن را در ارتباط با آیه «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (2)؛ و

ص: 51

1- . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 308.

2- . نساء، آیه 94. «به کسی که نزد شما اظهار اسلام می کند، مگویید: تو مؤمن نیستی».

یا در آیه «عَبَسَ وَ تَوَلَّى» (1) می توان مشاهده کرد، که این آیه درباره فردی از بنی أمیه، هنگامی که با دیدن يك نابینا [فقییر] چهره اش را درهم کشید، نازل شد.

* نظارت بر وکلاء

مرجع، از طریق شبکه گسترده وکلائی که در مناطق مختلف جهان دارد، کارهای خود را انجام می دهد. اینان سفیران مرجعیتند؛ بنابراین مراقبت از اعمال و رفتارشان در نهایت اهمیت است.

یکی از مسئولیت های مرجع این است که وکلای خود را تحت کنترل و نظارت شدید داشته باشد، که چه می کنند؟ چه نیاز دارند؟ نظر مردم درباره آنان چیست؟ چرا که نظارت و مراقبت مرجع بر کار وکلا و تأمین نیاز آنان و گوشزد کردن نقاط ضعفشان، از مهم ترین عوامل موفقیت مرجع در جامعه است. انجام این کار، بسته به درایت و حکیمانه عمل کردن مرجع است، که چگونه و با شیوه ای درست اشکالات را اصلاح و ترمیم کند، به گونه ای که وضع خراب تر و بدتر نشود.

مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی قدس سره هنگامی که خطائی از وکلایش

ص: 52

1- . عبس، آیه 1، «چهره درهم کشید و روی برتافت».

می دید، کسی را می فرستاد و از او می خواست تا نزد سید بیاید و در نجف مشغول به کار شود. و درباره خطا و یا لغزش او هیچ نمی گفت و این گونه وکیل را از میان مردم بیرون می آورد. افزون بر آن، با ارتباط مستمری که با او داشت، کم کم او را اصلاح می کرد.

* انتقاد سازنده

بشر ناگزیر از خطاست و تنها کسانی که دچار خطا و لغزش و اشتباه نمی شوند معصومین علیهم السلام هستند. حتی اگر شخصی در اوج فضایل اخلاقی نیز قرار گیرد، باز در معرض خطاست.

بنابراین، بر مرجع لازم است به انتقادهایی که متوجه او و یا دستگاه مرجعیتش می شود، توجه کند.

توجه به نقدها و تلاش برای از بین بردن اشتباهات، موجب اصلاح دستگاه مرجعیت است؛ در حالی که اگر به نقد انتقادگران مخلص توجه نکند، خطاهایش بیشتر خواهد شد و چه بسا این اشتباهات موجب انحراف دستگاه مرجعیت وی، که به انحراف مردم نیز می انجامد، منجر شود.

این به آن معنا نیست که هر انتقادی به مرجع و یا اطرافیان وی می شود حق است و باید آن را پذیرفت؛ چرا که برخی از انتقادهای وارد نیست، ولی

به نقدهایی که از طرف افراد صادق و صالح بیان می شود باید توجه کرد. توجه به این نقدها راهی به سوی پیشرفت مرجعیت و در نتیجه، وسیله ای برای پیشرفت اسلام و مسلمین است.

از سوی دیگر، مرجعی که به انتقادات توجه می کند، از استبداد به رأی و عدم توجه به افکار دیگران، منزّه می گردد و به يك فضیلت اخلاقی اس-لام-ی، ي-عنی اح-ترام ب-ه آرا و اعتنا به گ-فته های سازنده دیگران، آراسته می گردد.

* گسترش روحیه عزّتمندی

خداوند متعال می فرماید:

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»⁽¹⁾؛ و عزّت، از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤنان است.

عزّت و ارجمندی، احساس والایی است که در درون انسان می بالد و او را ارزشمند می سازد تا در پستی ها سقوط نکند و برای باطل گُرنش ننماید؛ و درست در مقابل انسان خود بزرگ بین، که متکبّر و خود برتر بین است و خود را تافته ای جدا بافته از مردم می داند، انسان عزتمند و ارجمند، با مردم

ص: 54

متواضع و فروتن است.

مرجع، باید با بیان احادیث و داستانهایی که عزت برانگیز است و... این فضیلت و ارزش را در میان مردم، به ویژه همکاران خود در دستگاه مرجعیتش بگستراند. همچنین می توان از خطیبان و نویسندگان خواست تا بر این ارزش تأکید نمایند، که بسیار سودمند خواهد بود.

* مشورت در امور سرنوشت ساز

کارهایی را که مرجع بدان ها می پردازد به دو دسته تقسیم می شود:

1. کارهایی که جنبه فردی دارد؛ در این گونه امور، مرجع شخصا تصمیم گیری می کند و پس از تصمیم، به اجرای آن همت می گمارد.
2. کارهایی که جنبه عمومی و اجتماعی دارد، مانند صلح و جنگ و مانند آن؛ در این امور باید با شخصیت ها (و افراد تأثیرگذار در جامعه) و همچنین کارشناسان و متخصصین امور مشورت کند، و این امر به استناد این آیه است که:
«وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»⁽¹⁾؛ و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن.

ص: 55

1- . آل عمران، آیه 159.

و بنا به فرموده امیر مؤمنان علی علیه السلام:

ماضِلٌّ من إشتار؛ (1) هرکس که مشورت کند گمراه نمی شود.

و فرمودند:

من إستبدَّ برأيه هلك (2)؛ هرکس که تنها به رأی خویش تکیه کند، نابود می گردد.

کاری که نتیجه يك فكر است، در معرض شکست است، اما کاری که برآمده از انظار جمعی از عقلاست، به پیروزی نزدیکتر است. البته باید معیار و میزانی تعیین شود تا به وسیله آن، کارهایی را که نیازمند مشورت است، از کارهایی که مشورت لازم ندارد، تفکیک گردد و در مرحله بعد، هنگام مشورت، با کارشناسان و اهل خبره موضوع مورد نظر شور و مشورت شود و آرای آنان را سنجیده و بهترین نظر را برگزیند.

* پیامدهای خطرآفرین تزویر دیگران

مرجع در جایگاه رهبری امت، موقعیت والا و ارزشمندی نزد مردم دارد؛ از این رو در معرض نیرنگ بازی فرصت طلبان است.

و اموری هستند که در معرض جعل و تحریف قرار می گیرند که عبارتند

ص: 56

1- . غرر الحکم و دررالکلم، ص 442.

2- . نهج البلاغه، حکمت 161.

از: امضای مرجع، مُهر، خط، نامه‌ها، فتواها، نوار و عکس‌های او، که ممکن است به شکلی دلخواه مونتاژ گردد.

مرجع باید نسبت به این امور توجه داشته باشد؛ زیرا توجه مرجع، فرصت را از دست‌اشداری که می‌خواهند او را وسیله‌ای برای تحقق اهداف سیاسی و مالی و... قرار دهند، می‌گیرد.

اما در این باره که چگونه در برابر این فرصت طلبیها و فریب‌کاریها موضع‌گیری کند، باید گفت این‌گونه امور بر دو قسم است:

الف. جعل اسنادی که دامنه دار و ادامه دار نیست و اثری در جامعه ندارد؛ مانند کسی که نامه‌ای را به نام مرجع جعل می‌کند تا نیاز محدود خویش را، مثلاً به مبلغ ده دینار برطرف سازد، یا به کاری یا قطعه زمینی دست یابد. در چنین صورتی اگر مرجع بداند که این شخص دوباره به این کار دست نمی‌زند - و تنها از روی نیاز دست به این کار زده - بهتر آن است که آن را آشکار نسازد.

ب. جعل اسناد مهم، که در پی آن اهداف سیاسی و اجتماعی معینی دنبال می‌شود؛ مثل این که از مُهر مرجع برای مورد حمله قرار دادن یک مصلح‌خودم و یا متعرض شدن و مقابله با یک امر صحیح دینی استفاده شود. این کار از گناهان بزرگ است که باید در برابرش ایستاد و آن را اعلام و مردم را از آن آگاه نمود.

ص: 57

یکی از مسئولیت‌های مرجع، بزرگداشت عالمان پیشین است. موارد ذیل در این خصوص پیشنهاد می‌شود:

1. تعمیر قبور آنان و اینکه اگر بتواند مقابر آنان را محل مدرسه و یا کتابخانه نماید.
2. تلاش برای تألیف کتاب‌های مستقلی درباره زندگانی، مواقف و فداکاری‌هایشان در راه دین و خدمت به مردم.
3. تشویق مردم برای زیارت مراقد علما و درس گرفتن از سیره آنان.
4. احیای تألیفات خطی علما، پس از جمع‌آوری آن‌ها.
5. بزرگداشت و بیان خدمات آنان در رسانه‌های عمومی (روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون).
6. احترام و تکریم فرزندان آنان و به عهده گرفتن مسئولیت آن‌ها.
7. تبدیل منازل آنان به مدرسه، کتابخانه و مسجد (البته با رضایت خانواده‌هایشان).
8. نامگذاری خیابانها به نام آنان.
9. برگزاری همایشهایی در تبیین نظرات و مواقف علمی و اجتماعی و سیاسی آنان.

این امور و امثال آن، خدمت به علم و دین است و سبب می شود تا مردم علما را الگوی خویش بگیرند و راه آنان را بیمایند.

* جبهه دفاعی

مرجع باید جبهه ای قدرتمند در دفاع از اسلام تشکیل دهد؛ چرا که دشمنان اسلام جبهه گسترده ای تشکیل داده و با برنامه ریزی دقیق به اسلام حمله می کنند و در صورتی که مرجع در برابر آنان نیرویی تشکیل ندهد، تلاش وی در نخستین رویارویی با جبهه کفر درهم خواهد شکست.

هجوم به مراجع، یکی از شیوه های مقابله دشمنان با اسلام است؛ چرا که این هجوم به معنای آسیب رسانی به اسلام و مسلمانان است و در روایت آمده است که: «والرّاد علیهم کالرّاد علی الله؛ (1) کسی که ردّ بر مراجع کند، چونان کسی است که ردّ بر خدا کرده است». و این ردّ به معنای

ص: 59

1- . ابوبصیر می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا نظر شما چنین است که اگر کسی این امر [رجوع به عالمان صالح و صادق] را ردّ کند، مانند کسی است که ردّ بر شما کرده است؟ امام علیه السلام فرمودند: «ای ابومحمّد، هرکس که این امر را بر تو رد کند مانند کسی است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بر خدای عزّ و جلّ رد کرده است». ر.ک: وسائل الشیعه، ج 1، ص 38، ح 59.

بی‌اعتنایی و کنار زدن مراجع و صدمه زدن به آنان است و نه اختلافات شخصی، که این‌گونه اختلافات فردی در معیارهای اسلامی ارزشی ندارد.

و لازم است که مرجع، جبهه دفاعی (فرهنگی و سیاسی و اجتماعی) خود در مقابل دشمنان اسلام و منحرفین و فریب‌خوردگان را از جهت کمی و کیفی تقویت کند، به گونه‌ای که اگر مثلاً هجوم دشمنان از جبهه‌های متعددی انجام شد، مرجع نیز آمادگی دفاعی چند جبهه‌ای داشته باشد؛ مثلاً اگر هجوم دشمن توانسته دانشجویان و کارگران و کارمندان را به سوی خود جلب کند، مرجع نیز از دانشجویان و کارگران و کارمندان، جبهه‌ای تشکیل دهد تا بتواند پاسخ‌گوی حمله آنان باشد.

*** تناقض در عملکرد؟**

در موارد بسیاری گمان می‌شود که مرجع متناقض عمل می‌کند؛ مثلاً دو کاری که شبیه به هم است، یکی را انجام می‌دهد و دیگری را ترک می‌کند و یا در جایی چیزی می‌گوید و در مورد دیگر خلافش را. اما اگر در عمق قضیه دقت کنیم، کوچک‌ترین تناقضی نمی‌یابیم.

این که مردم در کارهای مرجع و گفته‌های وی تناقض ببینند، از بزرگ‌ترین عواملی است که موجب بی‌اعتباری وی می‌شود؛ بنابراین

مرجع باید به این جهت توجه کامل داشته باشد تا مردم در گفتار و روش وی تناقض نبینند؛ حال یا با بیان علل و انگیزه هایی که این دوگانگی را ایجاد کرده و یا با بیان جهات مسئله که موجب اختلاف فتوا شده و یا اینکه یکی از دو کاری را که سبب می شود مردم در رفتار مرجع تناقض ببینند، ترك کند.

* پاسخ گویی به مسائل شرعی

همه روزه مسائل بسیاری که مورد ابتلای مردم است از مناطق مختلف جهان، برای پاسخ گویی، به مرجع می رسد، که البته پاسخ دادن به آن ها و رساندن آن بدست صاحبان آن ها ضروری است. و چه بهتر که این پرسش ها و پاسخ ها (البته آنهاییکه جنبه عمومی دارند) در اختیار عموم مردم قرار گیرد.

برای انجام این کار می توان يك نشریه ماهانه منتشر کرد که این سؤال و جواب ها را به ترتیب در خود جای دهد.

برخی از نامه های رسیده به مرجع هم، بیان مسائل مهم و مشکلات موجود در جامعه اسلامی است، که خوب است این گونه نامه ها نیز در کتابی جداگانه چاپ و منتشر شود؛ چه بسا چنین کتابی با توجه به محتوای

آن راه گشای دیگران باشد و اذهان را با مسائلی که در جهان اسلام مطرح است آشنا کند. و این خدمت بزرگی است که مرجع به امت اسلامی می کند.

* توجه به اولویت ها

امیر مؤنان علی علیه السلام می فرماید:

من انشغل بالمهم ضیع الأهم(1)؛ کسی که به کار مهم پردازد کار

مهم تر را از بین برده است.

امام علیه السلام با این عبارت کوتاه، یک قانون مهم را برای کارگزاران، مدیران، رهبران و در رأس همه، مراجع بیان کرده اند. و آن، قانون اهتمام به اهم و عدم اشتغال به مهم در فرض وجود اهم است.

مرجع باید اساس کارهایش را بر مبنای رعایت «الأهم ثم المهم» بگذارد و بر همین اساس، کارهای مهم تر مانند: مدیریت و نظارت کلی بر امور، برنامه ریزی برای آینده، تصمیم گیری های مهم، تعیین مسئولیت های مهم و ... را شخصا به عهده گیرد، و کارهای دیگری که از اهمیت کمتری برخوردارند، به یاران و همکاران خود واگذار کند؛ از قبیل نوشتن نامه ها و

ص: 62

1- . غررالحکم و دررالکلم، ص 477.

پاسخ گویی به پرسش ها و گرفتن اجرت نماز و روزه استیجاری و دادن آن به افراد مورد اطمینان که آن را انجام دهند، و دید و بازدیدهای عمومی و حضور در محافل و مجالس و ...

* برنامه ریزی مالی

مرجع باید به برنامه ریزی در تمام امورش، از جمله امور مالی، اهتمام ورزد؛ چرا که او به پیروی از وصیت امیر مؤنان علیه السلام که فرمودند: «و نظم امرکم؛ شما را به نظم در کارتان سفارش می کنم»⁽¹⁾ سزاوارتر است.

او باید همه امور را مورد محاسبه قرار دهد:

- به چه تعداد طلبه برای تحصیل و یا امور مربوط به مدیریت نیاز دارد.

- چه اندازه امکانات مالی برای تأمین هزینه های طلاب علوم دینی لازم است؟

- مقدار منابع مالی از قبیل خمس، زکات، نذر و مانند آن که به او می رسد چقدر است.

پس از این بررسی و محاسبه، مرجع می تواند کمبود مبالغ مورد نیاز را با

ص: 63

1- . از وصایای امیر مؤنان علیه السلام به فرزندان خود در بستر شهادت. ر.ک: نهج البلاغه، نامه 47.

یکی از راه های مشروع، مانند مضاربه؛ ایجاد صندوق های خیریه؛ حیات مباحات و مانند آن فراهم سازد.

قاعدتا این کار، متوقف بر آن است که گروهی تشکیل دهد تا در آن، افراد کارشناس و متخصص گرد آیند و برای انجام آن، طرح و برنامه ارائه دهند.

نیز بر مرجع ذی نفوذ دشوار نیست که از افراد نیکوکار بخواهد تا صندوق قرض الحسنه ای برای تأمین بودجه کارهایی که می خواهد انجام دهد، ایجاد کنند.

*** تقسیم بیت المال، متناسب با فعالیتها**

اموالی که به مرجع می رسد از منابع مالی مختلفی همچون حقوق شرعی، تبرّعات و یا غیر آن نزد مرجع جمع می شود؛ لازم است که اندازه این اموال فراهم آمده مشخص باشد و برای فعالیتهای مختلف دینی، بنا بر اهمیت و ضرورت هر مورد، تقسیم گردد تا از صرف اموال در مواردی و عدم توجه به فعالیتهای دیگر جلوگیری شود. مثلاً بخشی برای اداره امورات اهل علم، بخشی برای ایجاد و اداره مؤسسات دینی، بخشی برای دفاع از حریم اسلام و بخشی برای اعزام مبلغان و مانند آن.

ص: 64

باید توجه داشت که اموال، در دستگاه مرجعیت بسان سلاح در دستگاه يك لشکر نظامی است و همان گونه که اگر يك لشکر، تنها تانک و یا هواپیما داشته باشد، شکست خواهد خورد، همین طور اگر مرجع اموال را به يك جهت اختصاص دهد، معنایش شکست نیروهای اسلامی در عرصه های تبلیغ و هدایت خواهد بود.

ص: 65

فصل سوم : مرجع و مدیریت

اشاره

ص: 66

از مواردی که مرجع باید به آن توجه کند، برنامه ها و فعالیتهایی است که در مرکز انجام می شود؛ که لازم است با تشکیل مدیریت مرکزی، بر تمام آنچه در مرکز و همچنین مراکز و مؤسسات دیگر انجام می گیرد، از جهات کمی و کیفی نظارت نماید. اهتمام به پرورش و تربیت طلاب، مؤلفان، خطبا و مبلغان موجب پیشرفت کیفی مرکز و بالتبع مؤسسات دیگر مربوط به مرجع می شود.

متمركز سازی، وظیفه دشواری است، ولی آثار بسیار مثبت و سودمندی دارد.

اگر مرکز ضعیف بماند، نمی تواند حتی امور خود را اداره کند، چه رسد به این که از مراکز دیگر حمایت و پشتیبانی نماید.

نیز لازم است معایب و عوامل تفرقه و اسباب انحراف و کژی را در مرکز از بین برد.

شایسته است امور مرجعیت به گونه ای نظام و سازمان یابد که استمرار و پایداری مرجعیت برای مدتی طولانی پس از فوت مرجع نیز تضمین گردد، تا هنگامی که مرجع بعدی پس از وی می آید، به راحتی بتواند امور مرجعیت را اداره کند؛ زیرا در این صورت مرجع بعدی تمام امور را منظم و سازمان دهی شده یافته و تنها ادامه راه مرجع قبلی بر عهده او خواهد بود (و لازم نیست که همه کارها را دوباره از ابتدا شروع کند). بعنوان مثال: اگر فرض کنیم که مرجع قبلی هزار وکیل را با اداره همه نیازهایشان، از خانه و حقوق مستمر، از راه موقوفات آماده کرده است. هنگامی که مرجع بعدی می آید همین راه را دنبال می کند و تنها کارش تأیید وکالت آنان است، و همچنین باید - برای گسترش اداره مرجعیت - بکوشد هزار وکیل دیگر به دستگاه مرجعیت اضافه کند.

این چنین، مرجعیت بدون برخورد به مشکلی، پیش می رود؛ و مرجع بعدی که می آید همه چیز را به شکلی زیبا در جای خود چیده شده می بیند، به گونه ای که جز ادامه راه و توسعه نهاد مرجعیت چیزی بر عهده او نخواهد بود.

* بهره‌گیری از نیروهای غیر فعال

در جامعه نیروهای ارزشمندی وجود دارند که به دلایل مختلفی استفاده مناسب از آنها نمی‌شود؛ مسئولیت بزرگی در به کارگیری این نیروها بر دوش عالم است، تا این نیروها در راه خدمت به جامعه قرار گیرند.

چه بسیارند مؤفانی که به دلایلی منزوی شده‌اند؛

چه بسیارند سخنرانان موقّعی که به دلایلی کنار رفته‌اند؛

چه بسیارند مدّّرسان نوآوری که عرصه تدریس را رها کرده و به دلایلی خانه نشین شده‌اند؛

و چه بسیارند تلاش‌گران در حوزه دین که به دلایلی کار را رها کرده‌اند.

انجام این وظیفه مهم جز با تشکیل گروه‌هایی که این امر ضروری را انجام دهند، فراهم نمی‌شود.

به عنوان مثال، اگر مرجع، هیئتی برای رسیدگی به امور مؤفان تأسیس کند، مؤف به تألیف ترغیب می‌شود؛ چرا که می‌بیند کسی در کنار او ایستاده، یا کتاب او چاپ می‌شود. و یا اگر هیئتی برای رسیدگی به امور خطبا فراهم آورد، به طور حتم خطیب با قدرت و قوت به کار می‌پردازد؛ چرا که مجلس مناسب (شان او) و رسیدگی کامل و امکاناتی که برای اقامه مجالس لازم است را مهیّا می‌بیند. و همچنین وقتی مدرسی خانه نشین می‌بیند که مکان و موقعیت مناسب تدریس و طلاب آماده برای تعلّم وجود دارند و از طرف مرجع، از او حمایت می‌شود، یقیناً مشغول به تدریس شده

و نقش خود را در پیشبرد علمی جامعه ایفا می کند. و همین طور نسبت به دیگر نیروهای معطل مانده جامعه، از قبیل امام جماعت، تاجر، کشاورز و... .

به طور قطع پای بندی عالم دین به این مهم و التزام به لوازم آن، ضامن بکارگیری تمام نیروها خواهد بود.

* پذیرش مردم

یکی از درس های بزرگی که از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گیریم این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله هرکس که شهادتین می گفت و اسلامش را اظهار می کرد، ایمانش را می پذیرفت و آنان را بر گذشته شان محاسبه و مؤاخذه نمی کرد و این آیه، شعار مسلمانان بود:

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا»⁽¹⁾؛ و به کسی که نزد شما [اظهار] اسلام می کند، مگویید: تو مؤمن نیستی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره می فرمود:

الإسلام يجب ما قبله؛⁽²⁾ اسلام گذشته را از بین می برد.

پذیرش مردم و عدم طرد آنان، در حقیقت هدایت مردم به سوی فضیلت، تقوا و ایمان است. اما توجه به وسوسه ها، و در نظر گرفتن سوابق

ص: 71

1- . نساء، آیه 94.

2- . غوالی اللئالی، ج 2، ص 54، ح 145.

[احتمالاً بد] مردم، و تشکیک در اخلاص اطرافیان و پذیرفتن گفته های کسانی که لباس خیرخواهی به تن کرده اند و توصیه طرد مردم را دارند، حتی اگر اخلاص در خیرخواهی نیز داشته باشند، نتیجه خوبی نخواهد داشت. بدگمانی به هرکس که به ما روی می آورد، نتیجه اش جز عقب ماندگی و پس رفت نیست.

بر فرض که فردی گذشته سیاهی دارد، حال چه باید کرد؟ آیا باید تلاش کرد او را بر همان گذشته بدش نگاه داشت، یا باید دست او را بگیریم و از پرتگاه ها نجاتش دهیم؟

فرض کنیم در اخلاص فردی که به سمت ما آمده شك داشته باشیم، حال چه باید کرد؟ آیا او را در همان جبهه مقابل خود نگه داریم، یا بهتر آن است که او را بر پایه ظاهرش بپذیریم، و به نیت باطنی او کاری نداشته باشیم؟

بعضی ها می پرسند: چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوسفیان و مروان بن حکم را پذیرفت؟

در پاسخ می گوئیم: اولاً، اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله می خواست ابوسفیان و

مروان را، چون باطن امور را می دانست طرد کند، لازم بود بسیاری از کسانی را که اسلام آوردند و حضرت باطن آنان را می شناخت، نپذیرد و در این صورت، چه کسی در زمانی که بسیاری در معرض طرد بودند، باقی می ماند.

ثانیا، ورود این عناصر به محیط اسلام با این که گذشته بدی داشتند، به

بسیاری از آنان این فرصت را می داد که خود را تغییر دهند؛ همان طور که بسیاری از مسلمان هایی که در جاهلیت بودند، در دامن اسلام زیبا، تربیت و پس از عمری شرارت و خون ریزی، از مجاهدان در راه خدا شدند. وقتی افراد منحرف، خود را در میان افراد صالح ببینند، این خود سبب می شود که بسیاری از آنان تغییر هویت دهند و صالح شوند.

ثالثاً، طرد افرادی چون ابوسفیان ضررش بیش از نفعش خواهد بود؛ چرا که حضور آنان در صف مسلمانان ضرر آنان را از زمانی که در صف دشمنان بودند کمتر می کند. حال آیا عاقلانه است که ما ضرر کمتر را رها کنیم و ضرر بیشتر را متحمل شویم؟!

* آسان گیری

اسلام دینی است موصوف به سماحت و نرمی. در علم فقه قاعده ای وجود دارد که فقها به آن استدلال می کنند و آن، قاعده «یُسْر» (آسانی) است. [\(1\)](#) با استناد به این قاعده، مردم از مرجع متوقع اند که آسان گیر و نرم خو باشد.

بعنوان مثال، اگر ثروتمندی می خواهد زکات مال خویش را به يك سيّد بدهد؛ مرجع به او می گوید: زکات واجب را در صورتی که زکات دهنده سيّد نباشد نمی توانی به سيّد بدهی. اما همین مطلب را می توان به شکل

ص: 73

1- . ر.ك: سيد محمد شيرازي، القواعد الفقهيّة.

دیگری هم بیان کرد: این مال را به من بده و من به همان مقدار به این سید خواهم داد؛ و از حق ساداتی که نزد او موجود است به آن سید می دهد، و این زکات را می گیرد تا به مصارفش برساند.

نمونه ای دیگر، گاهی ممکن است فقیری نزد مرجع رفته و از او کمک بخواهد؛ و ممکن است مرجع به دلیل این که فعلاً پولی برای کمک به فقرا نزدش نیست، او را رد کند؛ اما ممکن است که توجه کند و ببیند که این فقیر صلاحیت انجام نماز و روزه استیجاری را دارد، لذا از این گونه اموال به او بدهد و او هم بجا آورد و در نتیجه دست خالی برنگردد.

همچنین است برخی مسائل که فقیه، راه شرعی صحت آن را می داند ولی شخصی که برای استفتاء آمده نمی داند و مسئله را به گونه ای طرح می کند که از نظر شرع درست نیست، در این صورت فقیه مسئله را بر طریق صحیحش و در عین حال ساده اش برای او بیان کند. ما در کتاب «شرح مکاسب» بیان کرده ایم که در يك مسئله، چه بسا دو راه که هر دو به يك نتیجه منجر می شوند، اما یکی در اسلام حرام و دیگری مجاز شمرده شده است، مثلاً معامله صلح⁽¹⁾ با جهالت مجاز است اما بیع مجهول جایز

ص: 74

1- . عقد صلح، یعنی: انسان با دیگری سازش کند که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملك او نماید، یا از طلب و یا حق خود بگذرد که او نیز در مقابل، مقداری از مال، یا منفعت مال خود را به او واگذار نماید، یا از طلب و حقی که دارد بگذرد؛ بلکه اگر بدون گرفتن عوض، مقداری از مال یا منفعت مال خود را به کسی واگذار کند، یا از طلب و یا حق خود بگذرد، صلح صحیح است. رساله توضیح المسائل.

نیست، با این که هر دو به يك هدف، که همان انتقال مال از فردی به دیگری است، منتهی می شوند.

* ایجاد انجمن ها

از کارهای ضروری ای که باید مرجع به آن پردازد، ایجاد هیئتها و تشکل هایی در ارتباط با امور مختلف است، از جمله:

- هیئت نشر قرآن و ترویج حفظ و قرائت آن، در مناطق مختلف؛
- هیئت آموزش احکام شرعی برای همه مردم در سطوح و مقاطع مختلف؛
- هیئتی برای دعوت و تشویق به تحصیل علم و ورود به حوزه های علمیه؛
- بنیادها و مؤسسه های فرهنگی که به فعالیتهای فرهنگی پردازند؛
- بنیاد عمران شهرها؛
- بنیاد ترویج جوانان؛
- تأسیس مؤسسه های بهداشتی (از قبیل درمانگاه ها و بیمارستانها)؛
- انجمن تأسیس خانه های سالمندان، ایتام و بیماران صعب العلاج؛
- مؤسسه های ایجاد اشتغال برای بیکاران؛
- انجمن حمایت از خانواده ها، که به حل مشکلات خانوادگی پردازد؛
- انجمن های مربوط به امور اجتماعی، که در جهت حل مشکلات مختلف اجتماعی مردم تلاش کنند؛

- انجمن رسیدگی به امور جوانان و جلوگیری از به انحراف کشیده شدن آنان؛

- انجمن نوسازی و ساخت مدارس و کتابخانه ها و چاپ کتاب های اسلامی؛

- انجمن بهسازی و توسعه روستاها و بالابردن سطح معیشتی آنان؛

- انجمن حمایت از حقوق حیوانات و محیط زیست؛

- و

*** بازتاب کارها**

مرجع باید پیامد و عکس العمل فتاوا، گفته ها و نوشته های خود را در جامعه بررسی کند و تنها پس از در نظر گرفتن همه جوانب، کاری را انجام دهد، یا سخنی بگوید و یا فتوایی صادر کند؛ و گرنه چه بسا ضرر چنین فتوایی بیش از نفعش باشد. مثلاً اگر عالمی اعتقاد دارد که فلاخن خانه غصبی است، لازم است دقت کند که آیا فتوای او به این که این خانه غصبی است، ضرر مهمتری بدنبال ندارد؟ اگر این گونه است در دادن فتوا تأمل کند؛ البته لازم است کاری نکند که از آن، غصبی نبودن، استفاده شود، چرا که در این صورت حق کسی را از بین برده. گاه ممکن است که بگوید: من به مقلدانم اجازه می دهم که در این مسئله از عالم دیگری تقلید کنند.

ص: 76

* تشکیل گروه های تخصصی و فعال در امور مختلف

مسائل دنیای امروز بسیار پیچیده است، لذا يك فرد، هر اندازه هم که باهوش و زیرک باشد، نمی تواند به طور کامل همه مسائل دنیا را مد نظر قرار دهد.

و چون مرجع، مسئول امور مردم است و در امور مختلف جامعه وارد می شود، لازم است گروههایی را برای همکاری با خود تشکیل دهد تا این گروه ها هرکدام در حیطه مخصوص خود کارهای مناسب را انجام داده و نتیجه را در اختیار مرجع قرار دهند؛ از جمله:

- تشکیل گروهی از علما برای اداره امور اهل علم؛

- گروه فرهنگی، تبلیغاتی؛ که وظیفه تبلیغ اسلام و نشر و دفاع از ارزشهای آن را بعهده دارد؛

- گروه اجتماعی؛ که با توده های مردم ارتباط داشته و از احتیاجات اجتماع و همچنین احوال فقیران و محتاجان آگاهی بگیرد؛

- گروه سیاسی؛ که وظیفه جمع آوری اخبار و اطلاعات و تحلیل آن را به عهده گیرد و خلاصه آن را در اختیار مرجع قرار دهد؛

- گروه اقتصادی؛ که تلاش کنند سرمایه لازم برای اداره امور را فراهم سازند؛

جهان امروز آکنده از وقایع مهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. مانند ارسال سفینه های فضایی به فضا و کرات دیگر؛ جنگ ویتنام(1) و کنترل سلاح های کشتار جمعی و استراتژیك. ضروری است که مرجعیت دینی درباره این امور اطلاع کافی داشته و موضع مشخصی، نفی یا اثباتا، در ارتباط با آنها اتخاذ کند(2).

ضرورت این امر به دلایل زیر است:

1. دخالت در این مسائل بخشی از منصب فقیهی است که عهده دار وظایف نایب عام امام علیه السلام است و امام علیه السلام آن گونه که می دانیم، شخصیتی است که با همه امور دین و دنیای مردم در ارتباط است.
2. مردم با مرجعی ارتباط برقرار می کنند که به آنچه در اطراف اوست اهتمام داشته و نظر مشخصی درباره حوادث و وقایع مهم جهان دارد و بدین وسیله با دین ارتباط پیدا می کنند، و اگر مرجع نسبت به وقایع اجتماعی و سیاسی و علمی و فرهنگی در سطح جهان توجه نداشته باشد، بخشی از مردم، آن مرجع را می کنند و از کسی که در این امور صاحب موضع و دیدگاه است پیروی خواهند کرد.

ص: 78

-
- 1- . اشاره به جنگ آمریکا در ویتنام است که در هنگام تألیف این کتاب در سال 1391 هجری، برپا بوده است.
 - 2- . به ویژه که بر بعضی از این امور، مسائل شرعی خاصی مترتب است؛ مانند حکم اسلام درباره جنگ یا دفاع و نماز در کرات دیگر و ...

گاه ممکن است بعضی اعتراض کنند که مناسب شأن مرجعیت نیست که در اموری که مربوط به مسائل صرف فقهی مصطلح نیست، دخالت کند.

در پاسخ می‌گوییم: منشأ این شبهه توجه برخی از علمای گذشته به مسائل صرف فقهی مصطلح و بی‌توجهی به این بخش از مسائل اسلام است، و لذا اگر علما به این امور نیز توجه درخور نشان دهند [و موضع‌گیری مناسب در هر مورد اتخاذ کنند]، سیره علما خواهد شد و مردم نیز کم‌کم آن را می‌پذیرند.

* راهبردهای اساسی در زندگی

لازم است مرجع، از پیش، اصول و قواعدی را برای خود معین کرده باشد تا هنگامی که در انجام یا ترك كاری شك کند و دلایل و شواهد هر طرف، اطمینان مرجع را فراهم نسازد به آن اصول رجوع کند. بعنوان نمونه:

اصل، در نزد وی شجاعت باشد و هر زمان که در اقدام و یا عقب‌نشینی شك کند، به اصل اقدام، عمل کند؛

اصل، نزد وی، مردم باشند، نه حکومت و نه اطرافیان؛

اصل، نزد وی، بخشیدن باشد و هر زمان که در بخشیدن و امساک شك کند، به اصل بخشش عمل کند؛

اصل، حسن ظن باشد و هر زمان که درباره کسی شك کند، اصل حُسن ظنّ را جاری سازد؛

و

ص: 79

این امر کمک می کند که در مواقع لازم تصمیم های قاطع گرفته شود و انسان از حالت تردید درآید؛ چرا که تردید در کارها موجب واماندگی و ضعف شخصیت می شود و از همین جا ضرر، دامنگیر مرجع می شود و بالتبع مصائب و مشکلات بر مسلمانان روی می آورد.

در روایات آمده است که یکی از ائمه اطهار علیهم السلام در پاسخ پرسش آن کس که پرسید: کارتان را بر چه مبتنی ساخته اید، اصولی کلی را بر شمردند(1).

و این اشاره ای به اهمیت تدوین اصول کلی و فراگیر در زندگی است.

* مصلحان

به طور طبیعی در جهان شیعه، مراجع متعددی خواهند بود و چون هر مرجعی نگاه ویژه و روش متفاوتی در نشر اسلام و پاسداری از کیان مسلمانان دارد، این دیدگاه ها باهم اختلاف پیدا می کنند. و البته اختلاف نظرها همیشه برخاسته از حسن نیت است. و در بسیاری از موارد، بعضی نادانان و یا مغرضان از این اختلاف دیدگاهها سوء استفاده کرده و آشوبی بین مراجع به پا می کنند که آثار بدی برای مرجعیت دینی و امت اسلامی دارد.

از این روضوری است که مراجع، اشخاص مناسبی را برای ایجاد

ص: 80

1- . بحار الأنوار، ج 78، ص 288، باب 23، ح 100. به امام صادق علیه السلام گفته شد: کارتان را بر چه مبنایی قرار داده اید؟ حضرت فرمود: بر چهار چیز: دانستم که کار مرا دیگری انجام نمی دهد، بنا بر این خودم تلاش کردم؛ و دانستم خداوند بر من واقف است، پس شرم کردم؛ و دانستم که روزی ام را دیگری نمی خورد، پس آرامش یافتم؛ و دانستم که آخر کار من مرگ است، پس آماده شدم.

نزدیکی و تفاهم فکری بین خود تعیین کنند؛ تا واسطه ای برای ایجاد وحدت نظر و جلوگیری از برخورد باشند، که گاه از سوی عوامل بیرونی ایجاد می شود.

هر اندازه که افراد مصلح و هماهنگ ساز، مسئولیت های خود را به خوبی انجام دهند و به نفع يك مرجع و علیه طرف مقابل نباشند، بهتر می توانند مشکل احتمالی ای را که در فضای اسلامی ایجاد شده بگشایند و در نتیجه، مرجعیت سد استواری در برابر توطئه های قدرت های خارجی و داخلی و عناصر اخلاص گر خواهد شد.

* تلاش پیگیر

چون مرجع نماینده امام معصوم علیه السلام است، مسئولیت بزرگی دارد و این مسئولیت، تلاش بی وقفه و خستگی ناپذیر در موقعیت های مختلف حتی در حالت سختی و خفقان و ترس را بر او واجب می سازد. اگر در داخل کشوری به دلیل اوضاع سیاسی نتواند کار کند، لازم است که شیوه کتمان را در پیشبرد برنامه هایش در پیش گیرد. راهی که در سایه آن می توان کار کرد، بدون آن که ضرری به خود یا مؤسسه های وابسته به خود بزند.

مؤن آل فرعون، ایمان خویش را کتمان می داشت،⁽¹⁾ و در حدیث نیز

ص: 81

1- . غافر، آیه 28: یکتا ایمانه.

آمده است: «التَّقِيَّةُ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي؛ (1) تقیه، دین من و دین پدران من است». البته منظور ما از کتمان در این کار، سرّی به مفهوم غربی اش نیست.

و اگر در کشورهای استبدادی به هیچ وجه نتواند فعالیت کند، باید به کشورهای هجرت کند که در آنها آزادی هست و کارش را از آنجا دنبال کند؛ گرچه بهتر آن است که در همان کشورهای استبدادی، به رغم رنجی که برایش دارد بماند؛ البته به شرط این که پایگاه اصلی و مرکز ثقل مبارزه را، به کشورهای آزادتر منتقل نماید و خود نیز این مبارزه را رهبری نماید. و اما این که در چنین شرایطی چگونه عمل کند، بسته به زمان و مکان و شرایط خاص آن است، که با در نظر گرفتن تمام جوانب تصمیم می گیرد.

* گسترش فعالیت ها

ضروری است که مرجع به کارها و فعالیت های موجود بسنده نکرده و در فکر گسترش فعالیت ها از نظر کمی و کیفی باشد و این گسترش با امور زیر تحقق می یابد:

1. افزایش مدارس علمی؛ تا در هر شهری يك حوزه علمی متناسب با جمعیت آن باشد؛

ص: 82

1- الصراط المستقیم، ج 3، ص 71؛ مشکاة الأنوار، ص 40؛ جامع الاخبار، ص 95؛ دعائم الاسلام، ج 1، ص 110 و 160؛ محاسن، ص 155؛ غوالی اللثالی، ج 2، ص 104.

2. افزایش تعداد سخنوران، واعظان، هدایت‌گران و اهل منبر؛

3. ترغیب و تشویق شعرای اسلامی و ایجاد انجمن‌هایی در راستای حمایت از امور آنان؛

4. حمایت از مؤلفان و نویسندگان و تأسیس دوره‌های آموزشی ویژه در رشته‌های تخصصی آن برای علاقه‌مندان به این تألیف و نویسندگی؛

5. تشکیل گروه‌هایی برای تحقیق و به دست آوردن اطلاعات درباره مسلمانان در کشورهای مختلف اسلامی و کمک به این گروه‌ها تا بتوانند در داخل کشورهای اسلامی سفرهای کاری داشته باشند؛

6. تشویق و ترغیب به وقف‌هایی که طلاب علوم دینی از آن بهره‌مند شوند؛

7. ایجاد مؤسسه‌ها و بنیادهای فرهنگی، بهداشتی، اجتماعی و تربیتی و مانند آن و تقویت جنبه دینی آنها؛

8. ایجاد کمیته‌ها و گروه‌هایی در جهت اصلاح دستگاه‌های مختلف دولت و مراکز عمومی، آن‌گونه که در بند هفت بدان اشاره شد؛

9. بالا بردن سطح آموزش در حوزه‌های علمیّه و ترغیب و تشویق جوانان تحصیل‌کرده برای ورود به حوزه‌های علمیّه؛

10. توجه به امور عتبات مقدّسه، مساجد، کتابخانه‌ها، مدارس و آموزشگاه‌ها و حمایت از آنها؛

11. به روز کردن ابزار دعوت به اسلام با ایجاد ایستگاه های رادیویی و تلویزیونی که از این طریق بطور گسترده تر معارف دینی را در همه اطراف جهان بگستراند(1).

* احتیاط لازم

بر کسانی که فعالیت های اجتماعی را رهبری می کنند لازم است که احتیاطات لازم را نسبت به وقایعی که در آینده بوقوع می پیوندند، در نظر گرفته و پیش بینی های لازم را بنمایند.

مرجع تقلید به لحاظ این که در رأس هرم اصلاح اجتماعی قرار دارد و مسئول پاسداری و حفاظت از ارزش های اسلامی است، لازم است که اقدامات و تدابیر احتیاطی نسبت به وقایع آینده را مدنظر قرار دهد. مثلاً اگر در کشور اسلامی زندگی می کند که با برخی مجلات، روزنامه ها، خبرگزاری ها، انتشاراتی ها و شخصیت هایی که در سطح جهانی نقش دارند، ارتباط دارد، از این امکانات در هنگام نیاز استفاده نماید.

درست است که این ارتباطات، نیازمند صرف وقت و هزینه است، ولی فایده ای که از آن به دست می آید، بسیار زیاد است. چه بسا اگر این ارتباط و استفاده از آن نباشد، صدمه شدیدی بر اسلام وارد آید.

ص: 84

1- . همچنین به کارگیری وسایل ارتباطی جدید مانند اینترنت و ماهواره.

* رها کردن جمود و تقلید

همان گونه که هدف، تغییر و تحول واقعی و بنیادین، در چهارچوب شرع و دین است، ایجاد تغییر و تحول ظاهری نیز مورد نظر است.

مرجع باید تقلید را رها کند و با جمود مقابله، و در امور مختلف نوآوری داشته باشد.

مثلاً در تدوین رساله عملیه، لازم است که ابواب و مسائل جدید مورد نیاز دنیای امروز مطرح شود و تنها به شکل و مسائل سنتی موجود در آن اکتفا نشود، تا بتواند پاسخگوی مسائل جامعه باشد و مردم بیشتر از آن استفاده کنند. و یا اینکه لازم است روش تدریس را تغییر داده و از پیشرفت فن آوری جهت تدریس فقه و اصول کمک گرفت، و این کار ما را در جهت رساندن معلومات، توانمندتر و موفق تر می سازد.

* بهره گیری از فرصت ها

امیر مؤنان علیه السلام فرموده اند:

إضاعة الفرصة غصّة؛ از دست دادن فرصت، اندوهبار است(1).

هنگامی که فرصتی بدون بهره برداری از آن بگذرد، این فرصت در زندگی انسان تبدیل به غصه و اندوه می گردد و انسان در طول عمر، همواره

ص: 85

خود را سرزنش می کند. در روایت آمده است:

الفرصة تمرّ مرّ السحاب فانتهزوا فرص الخیر؛ فرصت ها چون ابرها می گذرند، فرصت های خوب را غنیمت شمردید (1).

فرصت ها در زندگی انسان زیاد است، ولی استفاده از این فرصت ها مشخصه زندگی افراد و جوامع است.

همان گونه که هر فردی باید از فرصت های پدید آمده در زندگی اش بهره ببرد، جامعه نیز باید از فرصت هایی که برایش پدید می آید بهره مند گردد.

مناسبت ها در واقع فرصت های طلایی است که باید از آن استفاده کرد.

بر مرجع دینی است که هر زمان فرصتی فرا می رسد، چه زمان حُزن و عزا و چه زمان شادی و سرور، وارد عمل شود. در فرصت های اندوهبار مانند بلایای طبیعی مثل زلزله، مرجع مردم را برای هم بستگی، همیاری، برادری و کمک به هم نوع و یادآوری کردن قدرت خدا و عظمت او و یادآوری مرگ، حساب، عقاب و آخرت و... دعوت کند.

در مناسبت های شادی آفرین نیز مانند عید قربان و عید غدیر و... معانی بلند این اعیاد را یادآوری کند. و به این شکل مرجعیت، نقش و حضور

ص: 86

1- . نهج البلاغه، حکمت 21؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 18، ص 283؛ بحارالانوار، ج 31، ص 337، باب 81، ح 23؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 84، باب 91، ح 21044.

مؤثر و پیوسته ای را در مناسبت ها و فرصت های مختلف در جامعه ایفا خواهد کرد.

*** بهره گیری از مناسبت های زمانی**

مناسبت ها، فرصت های خوبی برای بسیج جامعه به سوی کارهای خیر است و بهتر است که برنامه های این مناسبت ها، بیش از یک روز ادامه داشته باشد.

مسئولیت ویژه ای برای استفاده از این مناسبت ها متوجه مرجع است تا امت را برای پیوند با اسلام بسیج کند. مثلاً در ماه ربیع الاول، هفته ای را برای نمایش و ارائه کتاب ها، تألیفات و پژوهش های ویژه ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص دهد. و یا در هفته اول ماه رجب، تبلیغات وسیعی برای جمع آوری انفاقهای مردم صورت گیرد و... .

و روشن است که تحرك و نظم و حرکت پیوسته، که موجب فعالیت روزافزون می گردد، از فوائد بزرگ این تخصیص ایام می باشد.

*** اجرای احکام پنج گانه**

چون مرجع عهده دار اجرای احکام شرعی است، بر او لازم است که اگر منکری را دید، آن را تغییر دهد یا اگر معروفی متروک شده، آن را تثبیت کند، یا اگر سنتی از شعائر اسلامی را که قوام اسلام و مسلمانان به آن است را فراموش شده دید، آن را به پای دارد. و پس از این ها نوبت به مستحبات

* همه چیز برای هدف

هدف، بالاترین مرتبه اهمیت را برای انسان دارد، و انسان همه چیز را فدای هدف خویش می سازد.

بنا بر این بر مرجع لازم است هدف خویش را بر همه عادت ها و راحتی ها مقدم بدارد. و چون هدف، خدمت به اسلام و اعتلای کلمه الله در زمین و پیش بردن مسلمین است، حتی اگر این هدف متوقف بر بیداری، رنج و گرسنگی و امثال آن باشد، باید این همه را برای رسیدن به هدف به جان بخرد.

و نیز لازم است که فرد هدف دار، فاصله بین خود و هدفش را دقیقا بداند، همان گونه که يك راننده مسافت خویش تا مقصد را اندازه می گیرد و به اندازه ای که او را تا مقصد برساند بنزین می زند و مقدمات رسیدن به مقصد را در نظر می گیرد.

اما این که فقط بگوییم هدف من اجرای اسلام است و به این امور توجهی نداشته باشیم، سخنی بی نتیجه خواهد بود.

خدای متعال می فرماید:

«وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً»⁽¹⁾؛ اگر قصد حضور در

ص: 88

جنگ را داشتند، امکانات آن را فراهم می ساختند.

کسی که می گوید من می خواهم به هدفم برسم، ولی در سطح آن هدف کار نمی کند، بسان کسی است که می گوید من می خواهم به شهر نجف اشرف بروم، ولی مرکب دیگر لوازم سفر را آماده نمی سازد.

* اعلان مرجعیت

برخی می پندارند که اعلان مرجعیت، تبلیغاتی است که انگیزه اش حبّ شهرت طلبی و معروف شدن است و این خصلت، زینده مرجعیت، که شایسته است بی اعتنا و بریده از دنیا و زینت و زخارف آن باشد، نیست.

این گمان درستی نیست و ریشه اش خلط بین حبّ شهرت طلبی و اعلام در راه اقامه حق است. ما در تاریخ می بینیم که انبیاء خود را معرفی و نام خویش را بر فراز جایگاه های رفیع اعلام می کردند تا اوامر الهی را اجرا کنند. می بینیم که در اذان، که جبرئیل آن را از سوی خدای متعال آورده است آمده:

أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛ گواهی می دهم که محمد، رسول خداست.

و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دستور داده اند که این جمله را در اوقات نمازها اعلام کنند.

امیر مؤنان علیه السلام در خطبه شقشقیه فرموده اند:

اما والله لقد تقمصها ابن ابی قحافه و أنه لیعلم إن محلی منها

محلّ القطب من الرّحیٰ ینحدر عنّی السیل و لایرقی الی الطیر؛⁽¹⁾ به خدا سوگند، ابن ابی‌حافه (ابوبکر) پیراهن خلافت را بر تن کرد، در حالی که خوب می‌دانست موقعیت من در مسئله خلافت، چون محور سنگ آسیاب است (که بدون آن هرگز نمی‌گردد)، سیل خروشان (علم و فضیلت) از دامنه کوهسار وجودم پیوسته جاری است و مرغ (دورپرواز اندیشه) به قله (وجود) من نمی‌رسد.

و باز امام در توصیف خویش می‌فرماید:

و إنّ امامکم قد اکتفی من دنیاہ بطمریہ و من طعمہ بقرصیہ⁽²⁾؛ امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از غذایش، به دو قرص نان بسنده کرده است.

انگیزه امام علیه السلام از بیان این فرمایشات، شهرت طلبی نیست بلکه تنها هدفش اظهار حقّ است تا مردم بین حق و باطل را تمیز دهند. هدف امام علیه السلام این است که مردم شخصیت ائمه را بشناسند و در نتیجه از آنان پیروی کنند و به گفته‌های آنان تمسک جویند؛ چرا که پیروی از فردی که انسان او را نمی‌شناسد و امتیازهای او را نمی‌داند ممکن نیست.

اعلان مرجعیت برای اشاعه حق و نشر اسلام از برترین کارهایی است که انسان را به خدا نزدیک می‌کند و در سایه آن، بهتر می‌توان مردم را

ص: 90

1- . نهج البلاغه، خطبه 3.

2- . نهج البلاغه، نامه 45.

هدایت کرد و یار و یاور بیشتری در راه خدا پیدا کرد تا بتواند کار و فعالیت بیشتری کند.

رهبر انقلاب 1920 م عراق، میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره در زیر نامه هایش، عنوان «رئیس الأمة الاسلامیة» (رئیس امت اسلامی) را امضا می کرد و این بدان معنا نیست که ایشان حبّ زعامت داشته است، بلکه در صدد زنده کردن حق بوده. البته آنچه این دورا از هم جدا می سازد، همان قصد و نیت قلبی است که آثار آن در رفتار فرد آشکار می گردد.

*** ارائه گزارش فعالیتها**

ضروری است که مرجع گزارش سالانه ای درباره کارها و فعالیت هایی که انجام داده است، تهیه کند. این کار باعث می شود که توجه مردم به فعالیتهای دینی جلب شود و همچنین باعث حمایتهای مادی و معنوی مردم جهت فعالیتهای دینی دیگر می شود.

افزون بر آن، این کار تهمت بی کاری و بی تفاوتی و یا افراط و تفریط را از ساحت عالمان دین دور می سازد.

می توان این گزارشها را با اسناد و عکس ها و آمار، مثلاً در هر پنج سال، جمع کرده و طی کتابی آن را نشر داد تا کارنامه ای برای فعالیتهای انجام شده و همچنین نقطه عطفی برای پیروی دیگران از وی گردد.

زندگی آمیخته با چالش هایی گوناگون است. خدای متعال می فرماید:

«وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ»⁽¹⁾؛ اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، زمین را فساد فرا می گرفت.

زندگی عرصه آزمایش و امتحان است که در آن مراتب ایمان و بندگی انسان ها شناخته می شود.

مرجع تقلید، از آن جهت که نایب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است از سوی قدرت های مختلف مورد تعرض و دشمنی قرار می گیرد؛ بنابراین لازم است که در این مبارزه مقاومت کرده و با نیروی ایمان و اراده در برابر دشمنان بایستد.

همچنین مرجع تقلید نباید بپندارد که ورود به مبارزه وظیفه وی نیست و یا خیال کند که درگیری او موجب ضعف اسلام می شود؛ بلکه برعکس، ورود او به میدان مبارزه با قدرت هایی که با اسلام می جنگند، باعث توانمندی اسلام و تقویت مسلمانان می گردد. اما در عین حال لازم است که هوشیارانه و با احتیاط عمل کند و غافلگیر نشود و با شیوه های هجوم

ص: 92

دشمنان و خباثت های آنان در جنگ روانی آشنا باشد.

البته لازم است که مرجع شروع به حمله نکند و در ابتدا مدافع باشد؛ چرا که تجاوز از صفات مؤمنان نیست. اما هنگامی که به او حمله شد، برای دفاع از حوزه اسلام در جایگاه قهرمانان و دلیران قرار گیرد. و چون بر دشمن چیره گشت عفو کند؛ زیرا عفو در هنگام قدرت، فضیلت و ارزش است.

همچنین احسان و رفتار نیکوراه دیگری است برای از بین بردن درگیری با کسانی که در مواردی اختلاف و در مواردی با مرجع وحدت نظر دارند. امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

عاب أخاك بالإحسان اليه⁽¹⁾؛ با احسان به برادرت او را سرزنش و مؤاخذه کن.

برای این که با قدرت و اقتدار در دریای درگیری و مبارزه وارد شود، باید با شیوه های مبارزه، مانند جنگ روانی و جنگ سرد سازمان یافته که بر پایه های جدید استوار است، آشنا باشد.

و همچنین لازم است که کمال احتیاط را در اعلان مبارزه و هر کلمه ای که می گوید، رعایت کند.

ص: 93

1- . نهج البلاغه، حکمت 158.

هدفی که مرجع برای آن تلاش می کند، هدف مقدسی است. او برای تقویت اسلام و مسلمانان و یا حتی برای جلب و جذب دشمن به سرای دین می جنگد؛ بنابراین ضروری است که جنگ او تا بالاترین درجه ممکن پاك و منزه [از حيله و خباثت و بی رحمی] باشد و نیز به اندازه اضطرار و ضرورت مبارزه کند؛ آن گونه که انسان به خوردن گوشت مردار مجبور می شود. در هر حال، معرکه او با دشمنانش هرگز به قصد انتقام گیری نبوده و برخاسته از کینه و دشمنی شخصی نخواهد بود.

* تفاوت افراد

مرجع، در برخورد با افرادی که با او همکاری می کنند با دو مشکل مواجه است: یکی این که افراد از جهت کارآیی و سطح تحصیلات و... باهم متفاوتند، و دوم این که گاه کسانی که از جهت کارآیی و تخصص پایین ترند توقع دارند که بسان بالاترها به آنان نیز احترام و توجه شود و [آنها را در تمام تصمیم گیری های مهم شرکت دهند] یا اگر تقسیم حقوق را به اساس رتبه آنان قرار دهند، خشمگین می شوند، و اگر به طور مساوی بین همه تقسیم شود به کارآتها ستم می شود. و همچنین در واگذار کردن امور و مسئولیت ها.

بنابراین لازم است که مرجع کاردان و با تدبیر باشد تا از این تنگناها به سلامت بیرون آید و به طریقی حق کارآترها را بدهد و خشم و کینه دیگران را برنینگیزد. چه بسا این کار نیازمند رعایت کمی کتمان باشد، و یا اینکه حق را به مستحق آن با واسطه و بدون خبر به دیگران برساند.

*** مرجع و افراد منحرف**

بنابر بیان تاریخ و روش عملی بزرگان ما، مرجعیت، تا به امروز به عنوان رهبری دینی شناخته می شود که مردم را به سوی خیر و سعادت سوق می دهد.

در مقابل، تعدادی از افراد جامعه، مسلمانانی هستند که اسلام را نفهمیده اند یا هواهای نفسانی بر آنان چیره گشته، و یا از غیر مسلمانانی هستند که مصالحشان در تضاد با اسلام است؛ اینان تلاش می کنند که رهبری را از مرجعیت دینی بگیرند و او را در خودش محصور کنند؛ انگیزه اینان نیز، یا دعوت مردم به يك عقیده مشخص و یا تمایل به قدرت و برتری خود است.

این گروه ها، پیوسته ایجاد هرج و مرج، دروغ، تهمت و عیب جویی را ابزاری برای تثبیت پایگاه خویش می سازند و گاه از مال و قدرت نیز در این

راستا کمک می گیرند. در برخی موارد نیز گرد مردم پاکی می روند که فریب شعارهای گمراه کننده آنان را خورده اند. مرجع باید شیوه های این گروه ها را بشناسد و بازیگران آنان بر وی مسلط نشوند و باید:

اولاً، یاران و همکاران و مقلدان و به طور کلی پایگاه خویش را استحکام بخشد و از عوامل ضعف پاك سازد و از آنان در برابر تبلیغات، تهمت ها و شیوه های شیطانی ای که منحرفان به کار می گیرند حمایت کند؛

ثانیا، راه های نفوذ در مرجعیت را سد کند، تا دشمنان از آن نفوذ نکرده و سوء استفاده نکنند؛

ثالثاً، خلأهایی را که طمع ورزان می توانند از راه آنها بر رهبری جامعه سلطه یابند، پرکنند. مثلاً اگر مرجع به موضوع نشر و پخش کتاب توجهی نکند، کسانی که هدف در دست گرفتن رهبری نادرست فرهنگی جامعه را دارند، می توانند سلطه خود را از طریق چاپ و نشر کتاب، تحکیم بخشند. و اگر جنبه تبلیغاتی را نادیده بگیرد، کسانی که امید به این هدف دارند، تلاش می کنند تا از روزنامه ها و رسانه ها برای نفوذ در جامعه بهره گیرند؛

رابعاً، عناصر بیگانه و فرصت طلب را از محدوده مرجعیت دور سازد. بعضی از منحرفان در بدو امر تلاش می کنند تا با مرجع همراهی کنند، ولی به مجرد آن که قدرتی یا جایگاهی می یابند جدایی خود را از مرجعیت

اعلام می کنند؛

خامسا، استقامت و پایداری در موضع مرجعیت و عقب نشینی نکردن و کوتاه نیامدن در زمانی که فشارها شدید می شود؛ چرا که مرجعیت، امانت است و لازم است که مرجع حق این امانت را با مقابله با جریانهای نادرست، ادا کند.

ص: 97

فصل چهارم : مرجعیت و ایجاد تحول در حوزه های علمیه

اشاره

ص: 98

* بالا بردن سطح معیشتی و دانش طلاب

طلاب علوم دینی، در حکم قاعده ای هستند که مرجعیت بر آن قائم است. از سوی همین طلاب، دانش و فضیلت در جامعه منتشر می شود؛ و از میان هم اینان سخنوران، نویسندگان و عالمان و مراجع برمی خیزند؛ بنابراین اهتمام به شئون طلاب ضروری است؛ چرا که توجه و اهتمام به امور طلاب، مرجعیتی نیرومند و کارا در جامعه اسلامی پدید می آورد.

بالا بردن سطح علمی از نخستین مسئولیت های مرجع است. و البته این مسئولیت منحصر به جنبه علمی طلاب نیست، بلکه ارتقاء سطح فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و... طلاب علوم دینی را نیز در بر می گیرد.

لازم است به کیفیت معیشتی و بهداشتی طلاب توجه شود تا در آینده، غنای نفس، قوت روح و صحت بدن داشته باشند و موقعیت مناسبی در جامعه به دست آورند، آن گونه که با تکریم و تقدیر به آنان نگریسته شود. و بسان صاحبان فضیلت و ملکات بلند نفسانی بوده و نیکی و فضیلت را در جامعه، با نقشی که به عنوان یک عالم دینی و یا یک خطیب حسینی و یا یک مؤلف اسلامی دارند، نشر دهند. و هر جا که بروند اسوه ای نیکو بوده و مردم به آنان اقتدا می کنند، و این موجب تقویت دین و عزت مسلمانان و

نشر فضایل و ارزش ها و نجات جامعه از پرتگاه های سقوط می شود.

در این صورت مرجع می تواند توسط این طلاب، که موفقیت بالایی کسب کرده اند، رس-الت خویش را در ح-یات ج-امعه ایفا کند و البته ذخیره ای برای آخرت وی نیز خواهد بود. و این همه جز با تلاش های بسیار و برنامه ریزی دقیق ممکن نخواهد بود و مرجع باید تمام توان و امکانات خود را در این راستا قرار دهد؛ و گرنه عوامل اضمحلال به سراغ آنان آمده تا ایشان را به انحطاط بکشاند، که در این صورت، کار اصلاح بسیار دشوار خواهد بود.

*** مراعات شئون اهل علم**

طلاب، بسیاری از وقت و تلاش خود را جهت تهیه مسکن، اجاره آن، پرداخت قبض آب و برق و کرایه رفت و آمدها به کار می گیرند. بنابراین ضروری است که مرجع، به طریقی این نیازها را برآورده سازد، تا طلاب بتوانند برای تحصیل علم و دانش فارغ شوند.

از جمله لازم است در این موارد تلاش شود:

* تهیه مسکن طلاب؛ برای این کار باید گروهی فراهم آورد تا اموالی که برای اسکان طلاب مورد نیاز است، از طریق تبرّعات و یا استقراض، در صورتی که بتوان آن را از حقوق شرعیه پرداخت کرد، جمع آوری کنند.

* سبک کردن بار مالی اهل علم؛ که با انجام امور ذیل ممکن می گردد:

1. اقتناع دولت ها، مبنی بر اینکه بهای آب و برق را از طلاب و

مؤسسه های دینی نگیرند - البته اگر محذور اهمی نباشد - .

2. متقاعد کردن سازمان حمل و نقل عمومی برای دادن تخفیف به طلاب.

3. قانع کردن سازمانهای بهداشتی و آموزشی، جهت نگرفتن یا تخفیف هزینه درمانی و آموزشی طلاب و خانواده و فرزندانشان.

4. فراهم آوردن امکان اشتغال خانواده های طلاب، مانند تهیه چرخ خیاطی و گلدوزی و یا قالبیافی و ... برای کمک به اقتصاد خانواده.

5. پرداخت وام های قرض الحسنه بلند مدت تا در کارهای مضاربه ای از آن بهره گیرند و آنگاه اصل مال را برگردانند.

6. به کارگیری طلاب علوم دینی در کارهایی که با مسیر علمی آنان نیز سازگار باشد، مانند تحقیق کتاب های خطی، تصحیح کتاب هایی که می خواهد چاپ شود و

7. ایجاد مراکز خدماتی و فروشگاههایی که لوازم مورد نیاز زندگی را با قیمتی مناسب در اختیار طلاب قرار دهند.

8. ایجاد اشتغال برای فرزندان طلاب در زمینه های مناسب، به ویژه در ایام تعطیلی.

9. تعیین جوایز نقدی برای طلاب ممتاز علوم دینی.

* ایجاد اماکن تفریحی برای طلاب و خانواده هایشان؛

طلبه نیز، مانند مردم دیگر دچار رنج و خستگی روحی می شود. لذا لازم است برنامه های تفریحی نیز داشته باشد تا خود و خانواده اش در يك

محیط و فضای سالم رنج و خستگی ای را که بر جانشان نشسته، بشویند.

بنابراین مرجع باید درباره ایجاد چنین اماکن تفریحی سالم، که طلاب علوم دینی و خانواده آنان از آن بهره مند شوند بیندیشد؛ زیرا طلاب علوم دینی به دلایل اجتماعی و یا اخلاقی نمی توانند به بسیاری از اماکن تفریحی بروند. به همین دلیل باید مکانهای ویژه ای برای طلاب ایجاد شود تا سلامت روح و روان آنان و فرزندان و خانواده هایشان حفظ شود. و اگر چنین مکانهایی نباشد، محصل علوم دینی، یا دچار فشارهای روانی می گردد و یا به ناچار اوقات ارزشمند خود را در امور بی فایده و گاه مضر صرف می کند.

* بازسازی شیوه های آموزشی

شیوه آموزشی حوزه های علمیه بر کتاب های درسی ای استوار است که عمر برخی از آنها به حدود هفتصد سال می رسد (1)؛ تردیدی نیست که این کتاب ها امتیازات مهمی دارند؛ چرا که در سطح بالایی از دقت و استحکام استدلال های علمی تألیف شده اند. ولی این کتاب ها به اسلوب قدیم نوشته شده و روش تدریس آن مناسب این زمان نیست. لذا یکی از مسئولیت های مرجع، تلاش در جهت تغییر شیوه های تدریس و نگارش کتاب های

ص: 103

1- . مانند کتاب شرح التجريد علامه حلی رحمه الله و حداقل به هفتاد سال، مانند كفاية الأصول آخوند خراسانی رحمه الله.

درسی به شکل جدید است و این کار بسیار سختی است که زمانی طولانی و تلاشی بزرگ می طلبد، ولی همت مرجع و همکاران وی، این مسافت را کوتاه و زمان انجام آن را کم می کند.

افزون بر آن، ضروری است دانش های جدیدی، در حوزه های علمیه وارد و تدریس شود، مانند سیاست و اقتصاد؛ تا اینکه طلاب علوم دینی از قافله تمدن معاصر عقب نمانند.

باید توجه داشت که حوزه را به حال قدیمش نگاه داشتن و تغییر ندادن شیوه ها و روش ها، سبب جمود فکری طلاب و به خود مشغول شدن و عدم توانایی بر همراهی با پدیده های دنیای معاصر خواهد شد؛ چیزی که طلاب را از جامعه جدا می سازد و در نتیجه دیگر قادر به حل مشکلات دینی مردم نیز نخواهند بود.

*** اهتمام به قرآن**

قرآن برترین کتاب آسمانی است و پلی است به سوی سعادت مسلمانان در دنیا و آخرت، و آنچه ما امروز از سختی و ظلم و مانند آن، در بین جوامع مسلمان می بینیم، به دلیل دوری آنان خصوصاً، و تمام بشریت عموماً، از قرآن کریم است. از این رو بر مسلمانان به طور عموم و بر مرجع به لحاظ تصدیق اش نسبت به امور مسلمانان به طور خاص، واجب است که به قرآن توجه ویژه داشته باشند؛ به چاپ، نشر، تفسیر و ترجمه آن به زبان های زنده دنیا که تاکنون ترجمه نشده است اهتمام ورزد.

نکته دیگر، تدریس علوم قرآنی و تفسیر به عنوان موادّ اصلی درسی در حوزه های علمیه، همانند فقه و اصول است.

پس بر ما واجب است نسبت به این کتاب بزرگ اهتمام قائل شویم و گرنه به پیامدهای واپس ماندگی و ذلت گرفتار خواهیم شد. در عدم اهتمام ما به قرآن همین بس که ترجمه قرآن کریم به زبان های دیگر به بیش از بیست زبان نرسیده، در حالی که به عنوان نمونه کتاب یکی از رؤسای يك کشور به پانصد زبان ترجمه شده و تنها از ترجمه يك زبان آن دو میلیون نسخه چاپ و منتشر شد.

* تطور فقه

از کارهای واجب مرجعیّت، تلاش برای تطور و توسعه فقه است، به گونه ای که پاسخ گوی نیازهای دنیای معاصر نیز باشد، البته با صیانت و تحفظ بر جوهره اصلی فقه.

با نظر در کتب فقهی در می یابیم که فقه، در دوره های مختلف، تحولات و تطوراتی داشته است:

مرحله اول: شکل گیری فقه در کتب اربعه (1) و غیر آن؛

مرحله دوم: تطور فقه به کتاب شرایع و مانند آن؛

ص: 105

1- . الکافی، شیخ محمد بن یعقوب کلینی؛ من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه قمی؛ تهذیب الاحکام، شیخ محمد بن الحسن الطوسی؛ الاستبصار، شیخ محمد بن الحسن الطوسی.

مرحله سوم: تطوّر فقه به دست شیخ مرتضی انصاری قدس سره در کتاب های

مکاسب و رسائل؛

مرحله چهارم: تطوّر فقه به دست مرحوم سید محمدکاظم یزدی قدس سره و دیگران در کتاب عروة الوثقی و مانند آن.

لازم است که گام پنجمی نیز در راه پیشبرد فقه برداشته شود تا با پدیده ها و تحولات معاصر هماهنگ گردد. این تطوّر متوقف بر امور زیر است:

1. شناخت کامل فقه با همه گستردگی اش در ابواب مختلف آن.

2. شناخت کامل از شرایط کنونی جهان معاصر از لحاظ پیشرفتهای علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی.

3. توان ارایه شیوه ای مناسب که جامع هر دو مورد فوق باشد.

این گام ها نیز متوقف بر این امور است:

الف. شناخت از علم و کتب حقوق و قانون؛

ب. شناخت و تخصص در شیوه های نویسندگی جدید.

بنابراین تطوّر و توسعه فقه، باید شامل تدوین شیوه طرح مسائل و محتوا، در کنار هم باشد.

مضمون و محتوا، همراه با پیشرفت های علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و با تکیه بر اصول ثابت شرع، و شیوه و روش تدوین مسائل فقهی نیز بر اساس روش تدوین قوانین خواهد بود.

ص: 106

منابع کهن فقهی بسیارند و همه آنها مورد نیاز، ولی برخی از آنها به دلیل چاپ نامناسب قدیمی، و عدم سهولت استفاده از آنها، متروک شده اند. بنابراین لازم است به چاپ جدید آنها به شکل امروزی توجه شود تا به طور گسترده متداول گردد، که اینکار بخشی از کار تطوّر در علوم فقهی است.

برای این کار پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

1. همت به چاپ و نشر آنها به شکل و شیوه جدید؛
2. افزودن شرح و توضیح و حاشیه های مناسب برای پی گیری تطوّر مسائل فقهی؛
3. قراردادن خلاصه و تمرین در پایان هر فصل؛
4. اخراج فهرست آیات، احادیث، اعلام، قبائل، مکان ها، اشعار و مهم تر از همه، تهیه فهرست موضوعی مسائل فقهی؛
5. توجه به تطوّر و تحول ایجاد شده در فقه؛ مثلاً در اول یا آخر کتاب فهرستی برای ابواب فقه، البته عناوین جدید آن از قبیل سیاست، اقتصاد، اجتماع و... گذارده شود و ذیل هر عنوان ابواب فقهی مربوط به آن قرار داده شود. به عنوان نمونه ذیل عنوان «سیاست»، به «کتاب الجهاد» و «کتاب القضاء» اشاره می شود و تحت عنوان «اقتصاد»، کتاب «التجاره» و «إحياء الموات» و... گذارده می شود.

لازم است به میراث علماء گذشته (رضوان الله تعالى عليهم) و کتابهای خطی

آنان توجه داشت. به گمان من کتاب های خطی که در کتابخانه های شخصی و یا عمومی داخل یا خارج کشور وجود دارد، از يك میلیون نسخه کمتر نیست.

همچنین - با توجه به شواهدی که در دست است - فکر می کنم کتاب «الذريعة إلى تصانيف الشيعة» تألیف علامه بزرگ آية الله حاج شيخ آقا بزرگ طهرانی قدس سره، به رغم آن که کتاب های بسیاری را در خود جای داده، ولی کمتر از يك دهم کتب علمای بزرگ، را توانسته است فهرست کند.

شمار بسیاری از کتابخانه های عمومی و شخصی در نقاط مختلف جهان، از یمن تا روسیه، هند، پاکستان، ترکیه، ایران، قفقاز، آلمان و انگلستان وجود دارد که بسیاری از مخطوطات شیعه را در خود جای داده است.

مسئولیت مرجع دینی از آن جهت که حافظ علوم اهل بیت علیهم السلام است، ایجاب می کند که این مخطوطات را از اقصی نقاط جهان جمع آوری کند. و ال-ب-ته این کار به تشکیل گروهی پژوهشگر متخصص در امور کتب خطی نیاز دارد.

این گروه باید به کشورهای که کتب خطی در آنها یافت می شود مسافرت کند تا به این مخطوطات یا میکروفیلم و یا کپی آن دست یابد و پس از تحقیق و آماده سازی، اقدام به چاپ آنها نماید.

یکی از گروه‌هایی که تأثیر بسزایی در جامعه دارند، خطبا و سخنوران می‌باشند که فرهنگ اسلامی را در میان امت نشر می‌دهند. و همان‌طور که خطیب و سخنران خوب فرهنگ ساز است، به همان نسبت خطیب و سخنران کم‌سواد و کم‌مطالعه موجب جمود و عقب‌ماندگی فرهنگی جامعه می‌شود.

لذا رسیدگی و توجه به خطبا اهمیت بسیار دارد و مرجع، نقش بزرگی در تحکیم و تقویت این قشر مهم و تأثیرگذار دارد. اهتمام به این امر با توجه به نکات زیر سامان می‌یابد:

1. ترغیب و تشویق افراد لایق در حوزه‌های علمیه برای ورود به رشته خطابه؛

2. تشکیل دوره‌های آموزشی تخصصی، در زمینه‌های تبلیغی؛ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، برای خطبا؛

4. انجمن خطبا و یا مؤسسه‌ای برای رسیدگی به شئون زندگی آنان؛

ت-وج-ه و اه-ت-مام-ن-سبت-ب-ه-خ-طبا و ام-ور آن-ان، برای این است که ای-نان زب-ان-گ-ویا و ن-یروی پ-یش-ب-رنده
اس-لام و ی-اوران م-رجع درخ-دمت به اسلام و مسلمین هستند. مرجعی که بتواند خطیبی را ترغیب کند، گویی نیرویی به نیروهای
قدرتمند اسلام و سربازی ب-ه-س-رب-ازان ام-ام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) افزوده است.

اسلام، در طول تاریخ بر شانه مبلغان تکیه کرده و امروز نیز بیش از

همیشه به خطیبان پیشرو و سرآمد در فن خطابه و آشنا به اصول امر تبلیغ دین نیازمند است.

*** ترغیب به فراگیری زبان عربی**

مطابق روایات، زبان عربی، که زبان قرآن است زبان بهشتیان است.

زبان عربی یکی از ابزارهای وحدت بخش امت اسلامی است؛ البته این بدان معنا نیست که غیر عرب، زبان خود را رها سازند و فقط با زبان عربی باهم گفت وگو کنند، بلکه منظور آن است که افزون بر زبان اصلی خود، زبان عربی را نیز بیاموزند.

زبان اصلی همان زبان تفاهم در چارچوب يك دولت و يا يك ملیت است، ولی زبان عربی زبان تفاهم در چارچوب امت اسلام است؛ بنابراین ضروری است که مرجع دینی به زبان قرآن اهتمام داشته و فرزندان امت اسلام را بر فراگیری آن تشویق کرده و آموزشگاه هایی برای آن تأسیس نماید، که با شیوه های جدید و ساده به آموزش آن بپردازند. هدف از این کار، زدن پل تفاهم بین فرزندان امت اسلام است. و اگر در منهج اسلام دقت کنیم، در می یابیم که آن بر اساس تحکیم زبان عربی، به عنوان زبان تفاهم بین امت اسلامی است. قرآن، سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله، نماز و... همه به زبان عربی است و این به معنای آن است که اسلام از مسلمانان می خواهد زبان عربی را بیاموزند تا زبان تفاهمشان باشد.

ص: 110

* فراگیری زبان خارجی

اسلام دینی جهانی است و جامعه اسلامی، جامعه ای گسترده است و ملیت های مختلف را در خود جای داده، که با زبان های مختلف سخن می گویند؛ بنابراین ضروری است که در کنار زبان اصلی، زبان های دیگر را نیز آموخت. افزون بر آن، در جهان، ملیت های غیر مسلمان نیز هستند که بیشتر از همه به شناخت اسلام نیازمندند.

لذا یادگیری زبان های خارجی و آماده سازی مبلغانی که قادرند صدای اسلام را به کشورهای و ملت های مختلف برسانند، ضروری است. و مرجعیت، بیشترین مسئولیت را در راستای توجیه و تشویق مردم، خصوصاً طلاب علوم دینی، به فراگیری زبان های خارجی و ایجاد دوره هایی برای آموزش زبان های مختلف را دارد. و هنگامی که عالم به بهترین ها در این دوره ها، جایزه و هدیه بدهد و مورد تشویق قرارشان دهد، برای دیگران هم انگیزه می شود که در این دوره های آموزشی شرکت کرده و زبان های مختلف را بیاموزند.

* بهسازی و توسعه تشکیلات دینی

بر مرجع لازم است که با تدوین برنامه ای دستگاه و مؤسسات دینی را به شکلی که مناسب عصر حاضر باشد، توسعه دهند، البته با توجه و تحفظ بر اصول ثابت و چارچوب شرع مقدس. چرا که اگر اسلام در لباس زمان عرضه شود، مردم از آن استقبال خواهند کرد، چون قوت، اصالت و تطابق

با فطرت انسانی در اسلام نهفته است. و اگر در برخی کشورها نفرتی از اسلام مشاهده می شود به دلیل عدم شناخت آنان از اسلام است؛ نایبایی که زیبایی گل را نمی بیند، طبیعتاً اعتنایی به گل ندارد، اما اگر چشمش باز شود و زیبایی گل را ببیند، بدان رو خواهد آورد.

و منظور از اجهزه دینی عبارت است از مساجد و ائمه جماعت آن، مدارس و طلاب علوم دینی، منابر و خطبای آن، عالمان دین و راه ارتباطی آنان با مردم.

لازم است عرضه اسلام و اجرای برنامه های آن، به گونه ای باشد که با زمان و ابزار جدید هماهنگ باشد. و برنامه ریزی و جهت دهی مرجعیت در این باره بسیار مهم و سازنده است.

مثلاً نماز جماعتی که در مسجدی با ساختمانی زیبا و پاکیزه و امکانات مناسب برپا می شود، با امام جماعتی که قرائت و تجویدی زیبا دارد و از بلندگو صدایش پخش می شود و کوتاه و مناسب با حال مأمومین نماز می خواند، بطور قطع از نماز جماعت در مسجدی عادی که چیزی از این امور در آن نیست جذاب تر خواهد بود.

پیداست که مردم در فرض اول به نماز جماعت توجه بیشتری می کنند، و زمانی که وقت نماز می شود، شیفته و با شتاب برای ادای نماز واجب به سوی مسجد می روند، در حالی که در شکل دوم، اگر از آنها خواسته شود که به نماز در آن مسجد حاضر شوند، کندی و تأمل دارند.

این مسئله در تمام احکام و مسائل دینی جاری است، که باید مورد

* علم و دین

یکی از شیوه های غرب برای سلطه بر جهان اسلام، تبلیغاتی است که برای جدایی و ضدیت دین با علم دارند و علت این امر از نظر تاریخی به درگیری کلیسای مسیحیت با دانشمندان هیئت و فیزیک و... باز می گردد. از جمله جریان نظریه کرویت زمین و این که زمین به دور خورشید می گردد، که با مخالفت شدید کلیسا روبرو گردید؛ چون در تعالیم کلیسا، زمین مسطح و مرکز عالم شناخته می شد و خورشید به دور زمین می گشت و... . کلیسا مخالفت با نظراتش را کفر و خروج از دین می دانست و معتقد بود، زمین که شاهد تولد عیسی علیه السلام بوده باید مرکز عالم باشد. و لذا دانشمندانی که معتقد به کرویت زمین و محور نبودن زمین بودند را به اعدام محکوم کرد. این قبیل مواضع کلیسا در مقابل دانشمندان، موجب دشمنی و خصومت دین مسیحیت و علم گردید، که تا به امروز نیز ادامه دارد.

غرب در تلاش است تا این درگیری را به جهان اسلام نیز بکشاند، اما خوشبختانه موفق نبوده است؛ چرا که اسلام برای علم و دانش، اهمیت فراوانی قائل است، بلکه اسلام علم را ملاکی از ملاک های برتری می داند.

خدای سبحان می فرماید:

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»⁽¹⁾؛ آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

بعنوان نمونه، در قرآن کریم به تفکر درباره علت اختلاف شب و روز دعوت شده: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»⁽²⁾؛ «مسلم در آفرینش، آسمان و زمین و آمد و رفت شب و روز نشانه های روشنی برای خردمندان است».

تفکر در این موضوع، انسان را به حقیقت کرویّت زمین و این که زمین به دور خورشید می گردد، می رساند.

بنابراین برای قوت بخشیدن به ارتباط بین علم و دین، مسئولیت مرجع بسیار مهم است. و این مسئولیت با انجام دو برنامه انجام می شود:

1. فرستادن طلاب علوم دینی به دانشگاه ها، برای تحصیل علوم جدید و مرتبط به واقعیت اجتماع عصر حاضر، و عدم اکتفا به علوم حوزوی صرف.

2. تدریس معارف دین و تفسیر و شرح قرآن و نهج البلاغه و احادیث

ص: 114

1- . زمر، آیه 9.

2- . آل عمران، آیه 190.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در دانشگاه ها.

اگر این برنامه ها اجرا شود، علم و دین به هم آمیخته می گردد و علم از دین فضیلت و برتری کسب می کند و دینداران از پیشرفت های علمی روز بهره مند می گردند و عالمان مصداق این آیه کریمه می شوند که:

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»؛ (1) خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده، درجات عظیمی می بخشد.

* رساله عملیه

رساله عملیه یکی دیگر از ضروریاتی است که باید با تحولات زمان متحول شود تا با نیازهای انسان امروز، البته در چارچوب دین، هماهنگ شود و ضروری است که رساله عملیه تنها مشتمل بر احکام شرعی نباشد؛ بلکه ابواب دیگری از معارف اسلام را نیز در خود داشته باشد؛ از جمله:

1. اصول دین؛

2. اخلاق و آداب؛

3. واجبات و محرمات؛

ص: 115

1- . مجادله، آیه 11.

5. بیان مسئولیت مکلفان در برابر نشر اسلام و احکام آن و مقابله با کفر و ضلالت؛

6. استفاده از بعضی آیات و روایات در جهت تشویق و ترغیب به دین و توضیح برخی مسائل و یا استدلال بر بعضی احکام - البته به اختصار - و این بدان معنا نیست که رساله عملیه پس از آن که مشتمل بر این ابواب شد، از طبیعت خود که رساله عملیه است بیرون آید، یا آن که ذکر آیات و روایات باعث شود که صفحات رساله فزونی یابد و در نتیجه، نتوان به راحتی از آن استفاده برد.

حل این دو مشکل به دست فقیه است که بتواند با مهارت، هدفی را که از ذکر بعضی آیات و روایات دنبال می شود، تحقق بخشد، بی آن که سبب شود کتاب، از رساله عملیه بودن، بیرون آید و یا آن که بیش از حد طولانی و مفصل گردد.

شکی نیست که رساله ای با این کیفیت می تواند مردم را به راه دین هدایت کرده و به آنان آگاهی هرچه بیشتر دینی بدهد، و مفهوم اصل و مصدر بودن کتاب (قرآن) و عترت را در هر موضوع کوچک و بزرگی، آشکار گرداند.

رساله عملیه باید مسائل جدیدی را که مورد ابتلای مردم در ابواب مختلف عبادات و معاملات است، در خود جای دهد؛ چرا که این مسائل مورد سؤال و ابتلای مردم، و همچنین مورد مناقشه در محافل علمی است. بنابراین لازم است که موضع اسلام درباره آنها روشن گردد تا مکلفان و مقلدان با احکام اسلام آشنا شوند، و نیز باعث سکوت کسانی شود که می خواهند اسلام را این گونه معرفی کنند که دینی ارتجاعی است و نمی تواند با تحولات جدید همگام بوده و پاسخی برای پرسش های جدید داشته باشد.

علما و مراجع تقلید محل رجوع مردمند؛ چرا که مردم به کسانی پناه می‌برند که با محبت، آنان را بپذیرند و نیازهای آنان را پاسخ گویند و با آنان آزادانه به گفتگو بنشینند و اسلام نیز همین را می‌طلبد و تأکید شدید بر پاسخ دادن به حوائج مردم دارد.

امیر مؤنان علیه السلام در وصف رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند:

طیب دؤار بطبّه قد أحکم مراهمه و أحمی مواسمه یضع ذلك حيث الحاجة إليه(1)؛ پیامبر صلی الله علیه و آله پزشکی است که در میان بیماران می‌گردد تا دردشان را درمان کند. داروها و مرهمهای خود را آماده ساخته، و ابزار جراحی خویش گداخته است. تا هر زمان که نیاز افتد آن را بر دل‌های نابینا و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های ناگویا بر نهد.

امیر مؤنان علیه السلام به کمیل بن زیاد می‌فرمایند:

ص: 121

یا کمیل مر أهلك أن یروحوا فی کسب المکارم و یدلجوا فی حاجة من هو نائم(1)؛ ای کمیل خانواده ات را فرمان ده که روز، در به دست آوردن مکارم و شب ها در رفع نیاز خفتگان بکوشند.

و نیز فرمودند:

من کثرت نعم الله علیه کثرت حوائج الناس إليه؛(2) هرکس که نعمت های خدا به او روی آورد، نیازهای مردم به او زیاد می شود.

در حدیث است که: «سید القوم خادمهم؛ رئیس قوم، خدمتگذار آنان است»(3) و مرجع به این دلیل که با دین و دنیای مردم مرتبط است، حوائج و نیازمندی ها و مشکلات و مسائل آنان به او متوجه می شود؛ بنابراین ضروری است که خود را برای انجام حوائج مردم آماده سازد.

شایسته است که مرجع اشخاصی را در قالب گروه هایی سازمان دهی کند تا برای این هدف فراغت داشته باشند و برای هر موضوعی از نیازها گروهی خاصی تشکیل دهد. و البته افرادی را برگزیند که خدمت به مردم را دوست دارند و به امور مسلمانان اهتمام می ورزند و از این کار جز پاداش اخروی انتظاری ندارند.

ص: 122

1- . نهج البلاغه، حکمت 257.

2- . نهج البلاغه، حکمت 372.

3- . مکارم الاخلاق، ص 251.

اندیشه های ویرانگر تلاش می کنند تا از قشر کارگر و کشاورز با سر دادن شعار یاری آنان، بهره ببرند؛ در حالی که اسلام به این دو قشر فعال جامعه، بالاترین عنایت را داشته است.

برای بیان اهتمام اسلام به این دو قشر، این حدیث کافی است که:

الكاذب على عياله كالمجاهد في سبيل الله (1)؛ کسی که برای [امرار

معاش] خانواده اش رنج و سختی می کشد، چونان کسی است که در راه خدا جهاد می کند.

اسلام، کارگر و کشاورز را در صف مجاهدانی که جان و خون خویش را در راه خدا می دهند قرار داده است. در حدیث آمده است:

الفلاحون كنوز الله في الأرض (2)؛ کشاورزان گنج های الهی در زمین هستند.

ص: 123

1- من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 168، باب 2، ح 3631.

2- تهذيب الاحكام، ج 6، ص 384، باب 22، ح 259؛ در وسائل الشيعه، ج 17، ص 42، باب 10، ح 21933 این حدیث آمده که: سئل الامام الصادق عليه السلام عن الفلاحين فقال: هم الزارعون كنوز الله في أرضه و ما في الأعمال شيء احب لله من الزراعة و ما بعث الله نبيا إلا زارعا الأ ادریس عليه السلامفإنه كان خياطاً؛ از امام صادق عليه السلام درباره کشاورزان سوال شد حضرت فرمودند: کشاورزان گنج های خدا در زمین اویند و در کارها چیزی محبوب تر از کشاورزی نزد خدا نیست و خداوند پیامبری را بر نیانگیخت، مگر آن که کشاورز بود؛ جز ادریس عليه السلام که خياط بود.

کشاورزان بزرگ ترین ثروت اقتصادی را به ارمغان می آورند که هیچ ثروتی معادل آن نخواهد بود و اگر قانون اسلام درباره کارگر و کشاورز اجرا شود، اقتصاد کشورها با شتاب زیادی رشد خواهد کرد و دیگر دستمان را به سوی شرق و غرب دراز نخواهیم کرد.

* توجه به افکار عمومی

لازم است مرجع سه مطلب را مد نظر داشته باشد:

1. رضایت و خشنودی خدا در هر کاری که انجام می دهد و یا ترك می کند؛ چرا که خداوند برتر از هر چیزی است؛
2. اهدافی که در انجام و یا ترك هر عملی در نظر دارد؛
3. افکار عمومی؛ و آن ترکیبی است از عُرف، فرهنگ عمومی، عادت ها و سنتهای جامعه؛ که هنگام انجام هر کاری باید بدان توجه داشت.

مرجعی که متصدی رهبری جامعه است، باید به افکار عمومی تا جائی که در تعارض با احکام شرعی نباشد توجه کند.

اگر تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام را بررسی کنیم، می بینیم که آنان جز در مواردی که با دین مخالف بوده، افکار عمومی جامعه را رعایت کرده اند. و در حدیث است که:

و عليك بمداواة الناس (1)؛ بر تو باد به مدارا کردن با مردم.

ص: 124

1- . از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است: «أمرني ربي بمداواة الناس؛ پروردگارم به من دستور داده که با مردم مدارا کنم». وسائل الشیعه، ج 12، ص 200، باب 121، ح 10681.

امیر مؤنان علیه السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر می نویسد:

ثمَّ اللهُ اللهُ في الطبقة السفلى من الذين لا حيلة لهم من المساكين و المحتاجين و اهل البؤى و الزمنى فانَّ في هذه الطبقة قانعا و معترا(1)؛
خدا را، خدا را، در خصوص طبقه پایین و محروم جامعه، کسانی که در مانده اند، از مستمندان، نیازمندان، بینویان، که در میان آنان کسانی هستند که در عین نیاز روی سؤال ندارند.

و باز حضرت علیه السلام به مالک می فرماید:

واجعل لذوي الحاجات منك قسما تفرغ لهم فيه شخصك و تجلس لهم مجلسا عاما فتتواضع فيه لله الذي خلقك(2)؛ برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که فارغ از هر کاری به آنان پردازی. برای دیدار با آنان به مجلس عام بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش.

صاحبان حاجت بسیار و نیازهایشان متفاوت است؛ گاه نیاز مالی و گاه نیاز به ازدواج و گاه نیاز به وساطت و ... بنابراین شایسته است
مرجع

ص: 125

1- . نهج البلاغه، نامه 53.

2- . نهج البلاغه، نامه 53.

آمدگی داشته باشد تا به همه اینها رسیدگی کند، به ویژه قشری که امام علیه السلام از آنان با تعبیر «الطبقة السفلی؛ قشر پایین» یاد کرده است مانند فقیران، بیماران، دردمندان، بیوه زنان و یتیمان. اینان نیازمند حمایت و عنایت اند و دل های شکسته و دعای مستجاب دارند.

و بهتر این است که مرجع، مؤسسه ها و بنیادهایی برای پناه دادن به آنان ایجاد کند، مانند: خانه سالمندان، مدرسه نایبانیان و خانه هایی برای فقیران و اموری از این دست.

*** جوانان، نیروهایی که باید به کار گرفته شوند**

دو مطلب درباره جوانان:

مطلب اول: جوان، قدرتی است پر هیجان و پر تحرك؛ پرتوان هنگام ساختن و سخت برای کوبیدن؛ بنابراین باید به آن اهتمام و توجه ویژه داشت. اهتمام مرجع به جوانان در محورهای زیر ممکن است:

1. ازدواج آنان؛ چرا که بسیاری از انحرافات از بی همسری ناشی می شود.
2. بالا بردن رشد فکری و فرهنگی جوانان؛ چرا که جهل، آنان را به عناصری مضر در جامعه تبدیل می کند.
3. پاک سازی آنان از رذائل اخلاقی؛ زیرا بیشتر جرایم بزرگ، نخست انحرافات اخلاقی ساده ای بوده است.

ص: 126

4. ایجاد اشتغال برای آنان؛ چرا که بیکاری در زندگی جوان، بزرگ ترین عامل فساد است، آن گونه که در گفته شاعر آمده است:

إن الشباب و الفراغ و الجدة *** مفسدة للمرء أي مفسدة

جوانی، بیکاری و دارایی برای فرد، فساد انگیز است و چه فساد انگیزی!

بنابراین ضروری است که مرجع سه گروه را برای رسیدگی به امور جوانان تأسیس کند: یک گروه برای سعی در امر ازدواج آنان؛ گروه دیگر برای فرهنگ سازی و پرورش روح و فکر آنان و گروه سوم برای ایجاد اشتغال برای جوانان.

مطلب دوم: جوانان، همانطور که گفته شد، قدرت و نشاط و حرکت اند، ولی از جهت فکری و تربیتی احتیاج به توجه بیشتری دارند.

پیران صاحبان فکر و تجربه اند؛ اما قدرت اقدام و حرکت، غالباً در آنان خاموش شده است. و معمولاً بین این دو قشر درگیری است که به نام درگیری نسل ها مشهور است. پیران می خواهند بر امور مسلط شوند و به این دلیل که جوانان درک بالایی از مسائل ندارند، می خواهند آنان را دور سازند. و جوانان نیز می خواهند کارها را به دست گیرند و پیران را دور کنند، به این دلیل که آنان کاری نمی کنند.

مرجع باید به این مسئله توجه داشته و تلاش کند تا از اندیشه پیران و تلاش جوانان، توأماً بهره گیرد؛ زیرا اندیشه بدون قوت و نشاط، سودمند نیست و حرکت و نشاط بدون جهت دهی اندیشه سودمند نخواهد بود.

ص: 127

از قدیم گفته اند: «رضی الناس غاية لاتدرک؛ رضایت مردم، هدفی دست نیافتنی است» و «أفئدة الشعب لا تملك؛ دل های مردم را نمی شود مالک شد».

جامعه، افراد مختلف مردم را در بر دارد و گروه های مختلف جامعه، گاهی با هم تقابل پیدا می کنند و پیامدهای آن در جامعه آشکار می گردد.

گاه با ناراحتی بعضی افراد جامعه و یا نارضایتی عده زیادی مواجه می گردد و چون وظیفه مرجع، هدایت مردم و رساندن آنان به ساحل سلامتی و نیکبختی است، و چون رهبری جز با رضایت مردم پانمی گیرد، بر مرجع فرض است که در جهت دست یابی به رضایت مردم، حتی نوجوانان جامعه، تلاش کند؛ ولی باید توجه داشت که هر چیزی حدودی دارد و برای رضایت مردم هم حدی است؛ بنابراین مرجع باید رضایت مردم را با رضایت خدا بسنجد تا رضایت مردم بر خلاف احکام دین نباشد.

از سوی دیگر، مرجع نباید کاری کند که خشم مردم را برانگیزد؛ مثلاً در شرایط فعلی، مردم به دارندگان خانه های مجلل و ماشین های آخرین سیستم و مانند آن با دید کراهت و استنکار نگاه می کنند، از این رو بر مرجع لازم است که این جهت را در نظر داشته باشد و خود و اطرافیان و اعضای مؤسسه هایی که مربوط به او هستند، زندگی معمولی داشته باشند و کاری نکنند که خشم و بدگویی مردم را برانگیزند.

* مراقبت از اجتماع و جلوگیری از گرایشهای انحرافی

جوامع دائما در حال تغییر و تحول هستند و همراه آن، شیوه های انحراف نیز در جامعه شکل های گوناگون پیدا می کند. در گذشته انحراف، امری فردی به شمار می آمد و افرادی مسئله دار بدان می پرداختند، اما امروز ما با انحرافات سازمان یافته و فساد برنامه ریزی شده مواجه هستیم. فساد که سرمایه گذاری بسیاری برای آن صورت گرفته است و از سوی دولتهای قدرتمندی که با همه شیوه های نفوذ، به اضافه امکانات عظیمی که در اختیار دارند، رهبری می شود.

روشن است که فرد یا جمعیتی پراکنده نمی تواند در برابر این تلاش سازمان یافته، جز با فعالیتی سازمان یافته بایستد. هر کاری را باید با همانندش، از نظر شکل و قوت، پاسخ داد.

انحرافات که در جامعه پدید می آید را، می توان به سه دسته تقسیم کرد:

1- انحرافات اعتقادی؛

2- انحرافات عملی؛

3- انحرافات اخلاقی.

کفر و الحاد، نمونه ای از انحرافات اعتقادی است؛ و تدوین قوانینی بر خلاف اسلام، انحرافی در شیوه های عملی است؛ و مواردی از قبیل ورود جوانان در کارهای زشت، مانند اعتیاد و امثال آن، انحراف اخلاقی است.

ص: 129

بنابراین بر مرجع لازم است سازمان های ویژه ای ایجاد کند تا با این انحرافات مبارزه کنند و هر انحرافی در برابر خود، سازمانی با تخصص در مقابله با موضوع آن داشته باشد. این سازمان ها نیز با بررسی دقیق منشأ انحراف پدید آمده و میزان گستردگی و راه های گسترش آن و همچنین راه های مقابله با آن و چگونگی نجات گرفتارشدگان در آن و در نهایت ریشه کنی آن، به طور کاملاً تخصصی تلاش می کنند.

*** مبارزه با انحرافات**

مرجع باید در مقابله با انحرافات بسیار محکم و سرسخت باشد؛ چه انحرافات اعتقادی که ملحدان بدان دامن می زنند و چه انحرافات اخلاقی که پرده دارانِ متهتك شایع می کنند و یا انحرافات که از عدم التزام به شریعت مقدس اسلام سرچشمه می گیرد، و آن هم خواه از طرف دولت ها باشد یا در سطح جامعه.

بنابراین، اولاً بر مرجع لازم است که با این گونه انحرافات آشنا و با شیوه های نشر و گسترش آن آشنا باشد؛ چرا که شناخت مشکل، آغاز حل آن است و وجود اطلاعات روشن و تفصیلی از انواع انحرافات، مرجع را به سمت اندیشیدن به درمان و اصلاح آن سوق می دهد. و اگر عالم خودش را از عالم جدا کرده و نداند که در دنیا چه می گذرد، روزی چشم باز می کند و می بیند که فساد در جامعه گسترش پیدا کرده و زمام آن از دست رفته است.

* مبارزه پی گیر

مدت مدیدی است که اسلام به طور کامل اجرا نشده است؛ چرا که رویارویی بین جبهه خیر، که متمثل در مرجعیت است و جبهه شرّ که در وجود نیروهای شرور و دشمن اسلام نمودار است، همچنان پابرجاست.

مدت طولانی است که شراب خواری، قماربازی، ظلم، ربا، احتکار، فقر، خفقان، استبداد، فساد و گناه و قوانین مخالف اسلام وجود دارد. لذا این میدان درگیری هنوز برپاست و باید امکانات لازم را فراهم ساخت و برای مبارزه ای طولانی در جهت فکری و عملی، که در آن قلم، کتاب و مبلغان و... بکار گرفته شوند، آماده شد.

مقابله با انحرافات مسئولیت هر مسلمانی است، ولی از آن جا که مرجع به عنوان نایب عام امام معصوم علیه السلام در جامعه اعتبار دارد، بخش اعظم این مبارزه برعهده اوست. فلذا باید برای این مبارزه خود را آماده کند و بیشترین تلاش را برای جلوگیری از گسترش فساد در سرزمین های اسلامی به کار گیرد.

* انتشار کتب به زبانهای مختلف

مسلمانان در همه سوی جهان گسترده اند و با زبان های مختلف سخن می گویند؛ بنابراین لازم است کتب مفید اخلاقی و اعتقادی و خصوصاً رساله عملیه به زبانهای مختلف ترجمه و در دسترس آنان قرار گیرد.

نامه های بسیاری در شئون مختلف برای مرجع می آید و برخی از آنها برای غیر مرجع تقلید نیز بسیار سودمند و مفیدند، مانند نامه هایی که در آن توصیف اوضاع مسلمانان در مناطق مختلف کشورهای اسلامی شده و یا استفتائاتی که می تواند مورد استفاده بسیاری از مردم قرار گیرد.

بنابراین شایسته است مرجع، این نامه ها را جمع آوری و چاپ و نشر دهد. این نامه ها اولاً، ارتباط و پیوند مرجع با مردم را نشان می دهد و ثانياً، حوادث مهمی را ثبت می کنند که می تواند جزء اسناد تاریخی قرار گیرد. مثلاً نامه هایی که بین میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره و وکلای ایشان در مناطق مختلف رد و بدل شده، بسیار مهم و ارزشمند است؛ این نامه ها امروز اسناد تاریخی ارزشمندی به شمار می آیند.

ثالثاً، در این نامه ها اطلاعات مهمی درباره اوضاع مختلف اقتصادی و اجتماعی مسلمانان تقریر شده است.

این نامه ها کارنامه ای جامع است که هر کس بخواهد با اوضاع و احوال مسلمانان آشنا شود، می تواند از آن بهره ها ببرد.

رابعاً، در خواندن نامه ها لذت و بهره ای است که گاه از مطالعه کتاب های مختلف به دست نمی آید(1).

ص: 132

1- . البته لازم است این نامه ها گزیده شود و چیزی که رسوایی فردی یا مانند آن را سبب می شود درج نگردد و امضای آنها نیز حذف شود.

دشمنان اسلام برای جداسازی جامعه از علما و اهل علم، با ایجاد شبهات و موانع غیر واقعی، تلاش بسیار می کنند. از يك سو عوامل نفرت از علمای دین را با اتهام به ارتجاع، جهل، چشم داشت به اموال دیگران و تملق ثروتمندان و... در افراد جامعه ایجاد می کنند و همزمان در بعضی از علما و طلاب علوم دینی، فکر کناره گیری و دوری از جامعه و... را. نتیجه این کار جدایی عالمان و طلاب علوم دینی با فرزندان جامعه است، به گونه ای که پیوند و نزدیکی جامعه با علما نزدیک به محال می شود و تا جایی که دیگر زبان مشترکی بینشان باقی نماند؛ و تلاش استعمار تشدید جدایی در هر دو سو است، تا این جدایی کم کم منجر به رویارویی و ضدیت شود. هرچه توطئه های مستعمرین در ترسیم چهره مشوه و غیر واقعی از اسلام، به این که این دین ارتجاعی و ضد پیشرفت است بیشتر شود، این رویارویی گسترده تر می شود.

لذا بر مرجع است که با بکار گرفتن شیوه های تبلیغی مناسب و مؤثر، برای زدودن این جدایی ها تلاش کند و نظر جامعه را درباره اسلام اصلاح نماید. همچنین از طلاب علوم دینی بخواهد تا داخل اجتماع شده و مردم را ارشاد نمایند و آنان را به تمسک به اسلام به عنوان تنها راه نجات برانگیزانند.

بنابراین، بر مرجع واجب است پندارهای مستعمرین که در صدد القاء این تفکراتند که اسلام دینی ارتجاعی و علمای دینی، انسانهایی بی سوادند،

را از بین ببرد و اهمیت دین و وجود علما را به عنوان محور حرکت اجتماعی، برای جامعه بیان کرده و اثبات نماید.

* نگارش خاطرات

در زندگی مسئولان و کسانی که از موضع مسئولیت با جامعه در ارتباطند، درسها و عبرتهای فراوانی وجود دارد. افزون بر آن، یادآوری این پندها برای خود آنان نیز فوائد بسیاری دارد؛ چرا که طبیعت انسان فراموشی است.

بنابراین لازم است حوادث و رخدادها، روزانه تدوین شود تا در حافظه خود و تاریخ بمانند؛ زیرا خاطرات به مانند چراغی است که راه سالکین این راه را روشن می سازد و بر زوایای تاریک مسیر مرجعیت [برای مراجع آینده] نورافشانی می کند.

لذا مرجع نباید در بیان نکات مهم کوتاهی کند؛ چرا که بازگو نکردن این امور، هرچند از روی تواضع باشد، موجب ضایع شدن خود و راهی است که دیگران می خواهند آن را ببینند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

من أُرّخ مؤمناً فقد أحياه (1)؛ هر کسی که تاریخ زندگی مؤمنی را بازگو کند، او را زنده ساخته است.

ص: 134

جهان در مسیر پیشرفت علم و فن آوری است، و این بهترین فرصت ها را برای نشر اسلام در اختیار مسلمانان قرار می دهد. لذا مرجع باید با استفاده از تمام وسایل و امکانات علمی و تکنولوژی جدید به معرفی اسلام و رساندن حقیقت اسلام به فرزند آن و نیز به ناآشنایان با اسلام، اهتمام ورزد.

این کار با کمترین تلاش و مقدار کمی مال ممکن است. و بهترین راه آن تشکیل گروه و یا مؤسسه ای است که عهده دار ارتباط با شخصیت ها، دانشگاه ها، نویسندگان، متفکران، رهبران سیاسی و اجتماعی، ثروتمندان، سیاستمداران، حقوق دانان، اصحاب رسانه های ارتباط جمعی مانند روزنامه ها و مجلات و رادیو و تلویزیون و... در سرتاسر جهان، شود و فرهنگ اسلام را به هر شکل مناسب و ممکن برای ایشان معرفی نماید (که آشنا ساختن این گونه افراد که دارای تأثیرات زیادی در اجتماع هستند، برای معرفی اسلام به تمام مردم بسیار مفید و مؤثر خواهد بود).

فراهم سازی این برنامه، هزینه و انرژی و وقت زیادی نمی طلبد و چه بسا هزینه آن از هزینه تأسیس يك مؤسسه بیشتر نباشد، ولی بازدهی و

تأثیر آن بسیار مهم و بزرگ است.

* نگرش جهانی

مرجع باید در بُعد فکری و اجتماعی، به نگاه دین محور آراسته گردد؛ یعنی خود را در محیطی گسترده تر از محیط کشوری که در آن زندگی می کند ببیند؛ خود را در میان جهان اسلام، با تمام گستردگیش ببیند. محیط پیرامون وی، در مقلدان و طرفداران او خلاصه نمی شود، بلکه همه امت اسلامی در این دایره قرار می گیرند.

اگر مرجع با این دیدگاه همراه شود، تصمیمات او در برگیرنده مصالح تمام امت و جهان اسلام خواهد بود و نه تنها محدود به يك کشور و يا يك منطقه از جهان و يا يك ملیت و نژاد. و این خود یکی از راه های موفقیت مرجع است.

* تحولات جهانی

جهان اسلام در معرض فشارهای مختلف جهانی برای از هم پاشیدن آن است.

بیش از يك مؤسسه و يك ارگان و يك دولت، برای تغییر ساختار جامعه اسلامی و تغییر آن به شکل جامعه ای غربی در تلاشند.

به عنوان نمونه، در ایران، برهنگی و بی حجایی زنان، چند دهه پیش و در زمان رضاخان، در نتیجه تلاش بسیاری از سفارت خانه های دول

خارجی در تهران آشکار گشت. سفارت خانه ها اتباع خود را تشویق می کردند تا در خیابان های تهران بدون حجاب بگردند، و این کار باعث تحریک بعضی زنان و دختران که متأثر از فرهنگ غرب بودند می شد و آنان هم تشویق به این کار می شدند. این حرکت ها زائیده برنامه ها و تصمیم گیری هایی است که دول غربی در بیرون جهان اسلام گرفته اند.

بنابراین اصلاح جهان اسلام نیاز به شناخت از این طرح و برنامه ها و همچنین برنامه ریزی برای مقابله با آن ها را دارد. و مرجع باید طرح این وقایع را در مناطق و کشورهایی که در آن طرح ریزی شده اند دنبال کند؛ یعنی در کشورهای غیر اسلامی. چرا که شناخت درد، کار درمان را آسان می کند و بلکه امکان پیش گیری کامل از دردهای وارداتی را به ما می دهد. لذا مرجع با پی گیری تحولات جهانی و کشف دسیسه ها و توطئه های دشمنان اسلام می تواند جامعه اسلامی را از افتادن در توطئه ها و نقشه های آنان حفظ و حراست کند.

* آینده نگری

ضروری است که مرجع طرح و برنامه ای مشخص برای آینده تدوین کند؛ مثلاً طراحی برنامه ای پنج ساله:

- چه اندازه مدرسه علمیه لازم است که در این مدت تأسیس شود؟

- چه اندازه طلبه لازم است که در حوزه های علمیه اضافه شود؟

- چه اندازه مبلغ لازم است در ظرف این مدت تربیت شود؟

ص: 139

- چه اندازه کتاب (با امکانات موجود) می تواند در این چند سال منتشر شود؟

- و... .

پس از آن که برنامه ریزی انجام شد، باید چند گروه، این طرح و برنامه را بر حسب تخصصشان اجرا کنند.

*** نفوذ در کانون های قدرت [جهانی]**

نظام های حکومتی در کشورهای غربی، بر پایه توازن مراکز قدرت استوارند، لذا تأثیرگذاری در این مراکز، ممکن است. طبعاً این نفوذ و تأثیرگذاری از طریق کار فکری و ارتباطات در داخل این دولت ها شکل می گیرد و مرجع می تواند فعالیتهای زیادی در این راستا انجام دهد و این برنامه از دوراه، شدنی است:

1. تشویق و ترغیب نویسندگان، خطیبان، استادان شایسته و با لیاقت دانشگاه، برای هجرت به آن کشورها.

2. تلاش در راستای متشکل کردن مسلمانان پراکنده در آن کشورها و توجیه آنان برای حرکتی هماهنگ.

مرجع می تواند برای انجام هرکدام از این دو امر، شخصیتی فرزانه و جدی در این کار را به کمک بگیرد، که در این صورت مرجع، نیروی بسیار بزرگی ایجاد خواهد کرد.

ص: 140

زمانی که سنگی به هوا پرتاب می شود، ابتدا با قدرت زیادی حرکت می کند، ولی کم کم حرکتش ضعیف شده، به جایگاه اولش باز می گردد و بی حرکت روی زمین می افتد.

دولت ها و تمدن ها نیز با قدرت زیاد آغاز می شوند، و پس از حرکت و اوج اولیه، کم کم ضعیف شده، تا آنکه از حرکت باز می ایستند و بی حرکت می شوند.

همینطور افراد و جوامع نیز حرکت خود را با نیروی عظیمی شروع می کنند ولی کم کم این قدرت کاهش می یابد تا در نهایت، در سکون و بی حرکتی قرار می گیرند.

این مطلب در مورد مرجع، نیز صادق است. چون به میدان مرجعیت پا می نهد، با قدرت و توان بسیار آغاز می کند، ولی کم کم این قدرت کاستی می گیرد تا به کمترین درجه می رسد. بنابراین باید مراقبت مستمر داشته باشد و نمودار فعالیت ها در زندگی اش را ملاحظه کند تا همیشه رو به تصاعد و اوج باشد. بهترین ملاک برای شناخت اندازه اوج این نمودار در زندگی، توجه به این قانون است که در این روایت بیان شده است:

مَنْ تَسَاوَى يَوْمًا فَهُوَ مَغْبُونٌ(1)؛ هر کس که دو روزش یکسان باشد، زیان کرده است.

ص: 141

بنابراین اگر مرجع دائماً در پی آن باشد که به داشته‌های گذشته، چیزی بیفزاید، این حالت ضامن پیشرفت و تلاش پی گیر او خواهد بود.

مثلاً اگر مرجع توانست صد مدرسه علمیه تأسیس کند، باید به فکر این باشد که در آینده مدرسه دیگری به این مدارس تأسیس شده بیفزاید، که در این صورت موفقیت خود را در کار تضمین کند.

آمادگی روحی برای مرجع، راهی است به سوی پیشرفت؛ به این معنا که مرجع بر این باور باشد که پیشرفت، نهایت و پایانی ندارد و هر کاری که می کند، گرچه بزرگ باشد، ولی پایان راه نیست و آنچه از او مطلوب است، بیش از اینهاست.

*** اقلیت های غیرمسلمان در کشورهای اسلامی**

در این بند، درباره گروه های غیر مسلمان که در کشورهای اسلامی زندگی می کنند سخن می گوئیم. اینان جمع بزرگی هستند که در میان ما زندگی می کنند و باید به آنان توجه داشته باشیم. مثلاً در عراق، لبنان و سوریه گروه های مسیحی و یهودی ای در بین مسلمانان زندگی می کنند و برخی از آنان در مناسبت های مختلف اسلامی با مسلمانان همکاری دارند.

مسیحیان لبنان در برگزاری مراسم عزاداری ایام عاشورا با شیعیان

همکاری دارند و بعضی از آنان با همان نگاه قدسی ای که به پیامبرشان، عیسی بن مریم علیه السلام دارند، امام حسین علیه السلام را تقدیس می کنند.

این تأثیر گذاری مربوط به پیوند میان مسلمانان و غیر مسلمانان است و همان گونه که مسیحی تحت تأثیر مسلمان قرار می گیرد، مسلمان ضعیف نیز از مسیحی اثر پذیر است که باید مراقب این جهت و تبلیغات آنان نیز بود.

بنابراین مرجع باید به این گروه ها اهتمام ویژه داشته باشد تا بتواند آنان را به دایره اسلام وارد نماید. برای این کار باید گروهی از مبلغان را آماده ساخت و آنان را در محیطهایی که این اقلیتها هستند، وارد کرد تا اسلام را به آنان بشناسانند. همانطور که توجه به مسلمانانی که متأثر از افکار غرب شده اند ضروری است. به ویژه کسانی که از اسلام جدا شده و در آغوش مذاهب ساختگی غرب، همچون بهائیت و امثال آن در آمده اند.

*** تهیه نقشه ای برای فعالیت ها در جهان اسلام**

لازم است نقشه ای از جهان تهیه شود که مراکز مسلمانان، در آن معین شده باشد و افزون بر مناطق جغرافیایی، مؤسسه های اسلامی، فعالیت های دینی، تعداد مساجد و ائمه جماعت مساجد و تعداد علمای هر منطقه و دیگر اطلاعات مطلوب در این زمینه را نیز در خود داشته باشد.

همچنین در این نقشه، مراکز فعالیت های ضد اسلام و ضد تشیع مشخص شده باشد.

اهمیت این نقشه در این است که به واسطه آن، مرجع همه مناطقی را که می توان در آن فعالیت کرد، زیر نظر می گیرد و خلأهایی را که در برخی مناطق پدید آمده، پُر می کند و تبلیغات در مناطق مختلف صورت می گیرد.

این نقشه به دو بخش تقسیم می شود:

1. مناطق اسلامی: در این بخش، مراکز اسلامی، تعداد مسلمانان، تعداد مساجد و... شمارش و مکان آنها مشخص می شود. همچنین اگر مرجع در منطقه ای وکیل ندارد، وکیلی برای آن محل گسیل دارد و یا اگر در این مناطق کتابخانه و یا مؤسسه فرهنگی وجود ندارد، برای تأسیس آن ها اقدام کند.

2. مناطق غیر اسلامی: مرجع باید نسبت به وضعیت جغرافیایی، سطح فرهنگی و وضعیت اجتماعی آنان و راه های رساندن اسلام به آنان و همچنین چگونگی برقراری ارتباط با مسلمانان ساکن در آن مناطق آشنایی پیدا کند و افرادی را برای تحقیق از این مناطق و تشخیص نیازها و شناسایی مراکز و پایگاههای ضد اسلامی و تعیین راه های تقویت مسلمانان بفرستد. این فعالیت ها با تشکیل گروه هایی که هرکدام به طور تخصصی به یکی از این امور پردازند، صورت می گیرد.

* اضطراب در تقدّم

هنگامی که انسان پا به میدان عمل می‌گذارد، در ابتدا اضطراب و دلهره ای در خود احساس می‌کند. همیشه تقدّم و توسعه، همراه با حالتی از دلهره و اضطراب است، که البته برای پیشرفت و توسعه امور، چاره ای از آن نیست، و گرنه رکود و عدم حرکت چیزی جز جمود و رکود بیار نخواهد آورد.

اگر از درون وجود مخترعان و مکششفان سؤال کنیم حالتی از اضطراب و نگرانی که علت آن تفکر مداوم به کار و ترس از عدم موفقیت است را در پاسخ خواهیم یافت.

اصولاً اضطراب و دلهره دو قسم است: اضطراب و دلهره پسندیده و اضطراب و نگرانی مذموم.

اضطراب مذموم، آن است که نتیجه ای در برداشته و هدفی را دنبال نمی‌کند؛ و اضطراب و نگرانی ممدوح، آن است که به پیشرفت و ترقی می‌انجامد.

بنابراین اگر مرجع در وجود خویش نگرانی و در تلاشش اضطرابی حسّ نکند، نشانه جمود و ایستایی اوست و با تحرك و اقدام به کار، این اضطراب ممدوح در او ایجاد می‌شود.

و قطعاً این تلاش برای کار، عیب جویی بی‌خبران را بر می‌انگیزد، که البته این از عوارض و هزینه ای است که مرجع باید آن را بپذیرد و بپردازد.

برای این منظور کافی است به حرکت های انسانی و اصلاحی که در

طول تاریخ از طرف انسان های بزرگ و فرهیخته صورت گرفته، و از همه بالاتر و سخت تر و بزرگتر حرکت پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام نظری بیافکنیم، آن گاه خواهیم دید هزینه ای که آن بزرگواران در این راه پرداخت کردند، فدای جان و ریخته شدن خونشان در مبارزه ای بود که انسانهای شرور بر علیه آنان به پا می کردند.

* اعزام مبلغان به کشورهای غیر اسلامی

ضروری است که مرجع نسبت به اعزام مبلغان به کشورهای مختلف جهان، برای نشر اسلام و هدایت مردم اهتمام ورزد.

اسلام يك دين جهانی و پیامش نورافشانی به همه مردم جهان است، و برای يك منطقه و مردم محدودی نیست، اما متأسفانه در قلمرویی محدود و در داخل دیوارهای کشورهای اسلامی زندانی شده است. من در این باره کتابی نگاشته ام و مطالبی را در این باره توضیح داده ام(1).

آن چه مهم است، اینکه سزاوار است مرجع تقلید به هیچ وجه نگران سختی این کار و دشواری راه آن نباشد؛ زیرا نگرانی این امر یا از جهت قبول و پذیرش اسلام از طرف مردم است، که در این صورت باید گفت:

ص: 146

1- . مؤف محترم، کتاب «حول التبلیغ فی الغرب» را در بیان بایستگی و چگونگی تبلیغ اسلام در غرب تألیف نموده اند، ولی متأسفانه نسخه خطی آن، بر اثر فشارهایی که از طرف حکومت بعث عراق برای ایشان پیش آمد، از بین رفته است.

مردم با دعوت فطرت خود به آغوش اسلام می آیند؛ چرا که اسلام ویژگی هایی دارد که هرکس آن را بداند و از نزدیک لمس کند، برای پیوستن به آن تلاش می کند. و یا اینکه نگرانی و مشکل از جهت نبود نیروهای فعال تبلیغی است، باید گفت: تعداد بسیاری از مبلغان، با تمام وجود آماده انجام فعالیتهای تبلیغی در کشورهای دیگر هستند.

خلاصه این که: این وظیفه پس از فراهم آمدن زمینه کافی برای تبلیغ که در امور زیر بیان می شود تحقق خواهد یافت:

اولاً، آماده سازی کادر تبلیغی با برگزاری دوره های فشرده آموزش زبان های خارجی و تدریس اصول تبلیغ.

ثانیا، فراهم آوردن پشتوانه مالی مناسب.

- می توان با ابزار زیر این پشتوانه را فراهم ساخت:

1. اختصاص بخشی از اموال موقوفه به این امر؛
2. ایجاد صندوق ویژه برای جمع آوری حقوق شرعی برای این هدف؛
3. اختصاص مقدار معینی از سهام شرکت ها، که سود آن برای این جهت مصرف شود؛
4. آموزش برخی شیوه های تجارت و یا فعالیتهای اقتصادی به مبلغان، تا در آن کشورها از این روش ها بهره گیرند و بخشی از مخارج خود را تأمین کنند.
5. آموزش بعضی از کارهای دستی که مبلغ می تواند به واسطه آن قسمتی از مخارج زندگی خود را اداره کند؛

6. ایجاد فعالیتهای اقتصادی که از سود آن بتوان در تقویت امر تبلیغ بهره گرفت.

لازم به ذکر است که بند چهار و پنج، برای طلاب و مبلغانی که همه وقتشان را در امر تبلیغ می گذرانند و فرصتی برای کارهای اقتصادی ندارند، مناسب نیست. و اصولاً در کشورهای اسلامی این امور امکان پذیر نیست، اما در کشورهای غربی، اشتغال طالبان علم به فعالیت های اقتصادی، یا کار کردن در بعضی مشاغل، امری عادی و معمول است. در فرمایشی از امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

إن الله يحب المؤمن المحترف⁽¹⁾؛ خداوند مؤمنی که حرفه ای داشته باشد را دوست می دارد.

بنابراین لازم است که این کار تبلیغی، به طریقی در برنامه های بلند مدت مرجع گنجانده شود و تنها به فرستادن يك یا چند مبلغ بسنده نشود، بلکه باید آن قدر مبلغ فرستاده شود که بتوان مراکزی برای نشر اسلام در کشورهای غربی تأسیس کرد. همچنین لازم است مؤسسه ها و بنیادهای فرهنگی و خدماتی در آن کشورها ایجاد کرد تا سخن ما با عمل همراه گردد.

چه بسا این کار و تلاش، وسیله ای برای نشر اسلام در کشورهایی شود که هنوز اسلام به آنها راه نیافته و آن کشورها نیز به کشورهای اسلامی

ص: 148

1- . فروع کافی، ج 5، ص 113، ح 1.

تبدیل گردند؛ آن گونه که اندونزی و مالزی و ... به کشورهای اسلامی تبدیل شدند.

اسلام از ویژگی هایی برخوردار است که آن را مورد علاقه و اقبال عمومی قرار می دهد:

1. جهانی بودن دین اسلام؛

2. توان حل مشکلاتی [مادی و معنوی] که ملت های آن کشورها با آن دست به گریبان هستند؛

3. سقوط و انحطاط ادیان و مکاتب اعتقادی حاکم بر آن کشورها.

*** به کارگیری قدرت های سیاسی**

حکومت ها امکانات بسیاری در اختیار دارند، و در صورتی که مرجع بتواند از آنها به شکل خوبی بهره برداری کند، وسیله خوبی برای خدمت به اسلام خواهد بود. بسیاری از عالمان دین، این امر را دنبال کرده و از قدرت های حاکم در راه ترویج دین، یاری گرفته اند. از این دسته می توان علامه مجلسی و علامه کرکی و شیخ حسین عبدالصمد (پدر شیخ بهایی) و نیز خود شیخ بهایی - قدس الله سرارهم - را نام برد.

حکومتها به دو دسته تقسیم می شوند:

دسته اول، حکومتهایی که کاملاً منحرف اند؛

دسته دوم، قدرت هایی که نسبتاً سالم هستند؛

در نوع اول، مرجع می تواند وسایلی را فراهم آورد که این قدرت ها در

خدمت اسلام قرار گیرند، بی آن که خود به آنها نزدیک شود؛ که در این صورت توانسته است، قدرت حکومت را در خدمت اسلام در آورد و در عین حال، از ضررهای نزدیک شدن به حکومت محفوظ بماند.

در نوع دوم نیز بر مرجع لازم است که حکومت را به تعاون و همکاری دعوت کند و تلاش نماید تا از آن، در جهت خدمت به اسلام بهره گیرد.

*** توجه پیوسته به هدف**

بزرگ ترین هدفی که مرجع برای آن تلاش می کند، اجرای احکام الهی در عرصه های مختلف زندگی است و هیچ عذری برای اجرا نکردن احکام اسلام به طور کامل، از هیچ کس پذیرفته نیست؛ چرا که اسلام دین فطرت است و اجرای احکام اسلام منشأ نیکبختی دنیا و سعادت آخرت است. و تنها برخی موانع، از اجرای کامل آن جلوگیری می کند.

یکی از این موانع، حکومت هایی هستند که نمی خواهند اسلام بر روی کره زمین زنده باشد. در این حال یکی از وظایف مرجع این است که این حکومت ها را قانع کند (اگر امکان آن باشد) که مصلحت آنان در اجرای اسلام است؛ چرا که اسلام امنیت و رفاه و آسایش را به ارمغان می آورد و ریشه های جرم و فساد را از روی زمین بر می کند.

ضعف مسلمانان و فهم ناقص آنان از اسلام، از دیگر موانع اجرای

شریعت است. برخی، اسلام را تنها نماز و روزه معرفی کرده اند و نمی دانند که ابواب معاملات در فقه اسلامی، گسترده تر از ابواب عبادات است. لذا مرجع باید زمینه لازم را برای رشد فکری در میان مردم ایجاد نماید تا مردم با تمام اسلام آشنا شوند.

از دیگر موانع اجرای اسلام، تبلیغات مغرضانه ای است که دشمنان اسلام به آن دامن می زنند و اسلام را دینی قدیمی و از کار افتاده معرفی می کنند.

مسئولیت رفع این اتهامات به عهده مرجع است که باید سستی و بی پایگی آنها را روشن و زیبایی های اسلام را آشکار سازد و تبیین نماید که اسلام دین پیشرفت و دین رحمت است.

*** بهره گیری از فن آوری روز**

ابزار و وسایل پیشرفته ارتباط جمعی می تواند فرصت های بزرگی را در جهت نشر اسلام فراهم سازد. رادیو می تواند وسیله ای برای رساندن احکام دین به مردم و امر به معروف و نهی از منکر قرار گیرد. همچنین روزنامه ها و تلویزیون و

آیا بهتر نیست پیش از آن که دشمنان اسلام به بهره برداری از این ابزار و جهت دهی آنها برای هدف های ویرانگر خود بشتابند، ما از این ابزار بهره گیریم؟

سِلْم و دوستی، هم شعار و هم عمل اسلام است. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً»⁽¹⁾ همگی در صلح و آشتی درآیید.

سِلْم و آشتی، ساحت گسترده ای از اقدامات عملی را در بر می گیرد؛ از دوری از سخن چینی، غیبت، عیب گویی و عیب جویی گرفته تا درخواست جدی برای جلوگیری از به کارگیری سلاح های کشنده و فراخوانی حکومت های در حال جنگ برای دست کشیدن از جنگ و خونریزی.

البته این بدین معنا نیست که اگر اسلام مجبور به جنگ شود، نمی جنگد، اما آنچه امروز مشاهده می شود این است که جهان پر شده از اندیشه جنگ و خشونت، به گونه ای که سرشار از سلاح های کشنده مخوف شده است به طوری که گفته می شود سلاح هایی که امروز در اختیار دولت هاست، برای چهار بار نابود کردن کره زمین کافی است⁽²⁾.

در اوض-اع و اح-وال ج-هان ام-روز، م-رج-ع به دل-یل ن-یابت از

ص: 152

1- . بقره، آیه 208.

2- . این مربوط به زمان تألیف کتاب بوده است، اما امروزه با وجود سلاح های اتمی و کشتار جمعی موجود در عالم، برای ده ها بار نابودسازی بشر کفایت می کند.

ام-ام معصوم علیه السلام، چون مسئول زندگی میلیون ها انسانی است که جنگ ها آنان را نابود می سازد، باید علم سلیم و صلح و دوستی را بلند کرده و جهان را به صلحی عادلانه دعوت نماید که حدی برای اختلافات و جنگ ها قائل باشد.

*** مبارزه با انحرافات بزرگ**

انحراف در عقیده، اخلاق و حکومت، از انحرافات بزرگی است که مرجع باید در برابر آنها قاطعانه و سرسختانه بایستد. و متأسفانه این گونه انحرافات رو به گسترش مداوم است. بنابراین لازم است که مرجع برنامه ای تدریجی و دائمی برای مبارزه با این انحرافات داشته باشد. این برنامه بر گام های زیر استوار است:

1. مرحله اول: تقویت دستگاه های مرتبط با مرجعیت، به گونه ای که از نظر اخلاقی دچار مشکل نشوند.

2. مرحله دوم: تلاش برای متوقف کردن دستگاه های انحراف ساز.

3. مرحله سوم: ایجاد مانع در کار دستگاه های انحرافی.

4. مرحله چهارم: هجوم فرهنگی و سیاسی و اجتماعی به این دستگاه ها و پاکسازی آن ها.

بعنوان مثال اگر فرض کنیم يك سازمان قوی و قدرتمند، جوانان را به

الحاد و لأبالی گری دعوت می کند؛ در مرحله اول، مرجع باید سازمانی برای جوانان تشکیل دهد و ابزار قدرت و قوت و رشد را برایشان فراهم آورد.

و در مرحله دوم جامعه را به قطع رابطه و جدایی از این دستگاه منحرف دعوت می کند، تا اینکه تأثیرگذاری آن مرکز منحرف در جامعه از بین برود، که در نتیجه باعث ضعف و ناتوانی آن خواهد شد.

و در مرحله سوم تلاش کند که افراد با فرهنگ و اندیشه و اهل فکر از آن دستگاه بیرون آیند، و البته هراندازه که آگاهی آنان بیشتر باشد، زودتر از آن جدا خواهند شد و در صف مخالفین با انحراف در خواهند آمد.

و در مرحله چهارم، سعی کند تا آن دستگاه انحراف را نابود و امکاناتش را از بین ببرد، که این پایان وجود و حضور دستگاه های انحرافی خواهد بود. این برنامه، استراتژی علمی است که در عرصه های مختلف تجربه شده، و لذا برای مبارزه با انحراف نیز باید از آن استفاده کرد.

*** شرك و بی دینی**

در جهان امروز، صدها میلیون کافر و مشرک وجود دارد که به جدیدترین ابزار تبلیغاتی و اطلاع رسانی با بیشترین پشتوانه مال و قدرت مسلح اند.

ص: 154

مرجع باید تهاجم پیوسته و عمیق و پر قدرتی را بر ضد این جبهه سازمان دهی کند. و گرنه این جبهه کفر و شرک و الحاد بر جبهه توحید چیره خواهد گشت، که این بزرگترین خسارت ها است. بر مرجع واجب است که با هر قدرت و مکنتی که دارد، از ایمان مردم دفاع کند. بنابراین لازم است که مرجع، دو جبهه برای مبارزه در این راه تشکیل دهد: جبهه مبارزه مثبت و جبهه مبارزه منفی.

مبارزه مثبت، همان هدایت کافران و مشرکان با ابزار و راه کارهای مناسب است، و مبارزه منفی، مانع شدن از نفوذ و تسلط شرک و الحاد به عقائد مردم است.

ص: 155

آنچه در این کتاب آمد، خلاصه افکار و اندیشه هایم و نیز چکیده تجربه های تعداد بسیاری از مراجع (چه آنان که معاصرشان بودم و چه آنان که در باره آنان مطالعه کرده بودم) در این موضوع بود.

نیز این محصول تجربه شخصی خودم بود، افزون بر آنچه که از نظرها و مشاوره با دوستان (حفظهم الله تعالی) به دست آورده ام.

در پایان باید این نکته را متذکر شوم که منظورم از واژه های «ینبغی» (سزاوار است) «یجب» (واجب است)، و «یلزم» (لازم است) که در کتاب از آنها استفاده شده، معانی لغوی آنهاست و وجوب یا استحباب شرعی

مستفاد از این کلمات نیست و این که کدام يك از این ها واجب و کدام يك مستحب شرعی است، به نظر خود مرجع باز می گردد.

از خدای متعال خواهانیم تا همه ما را به آنچه خیر دنیا و آخرت است، موفق بدارد و تنها از او یاری می جوئیم.

سبحان ربك رب العزة عما يصفون

و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين.

كربلاء مقدسه

1/3/1391 هجری (1)

محمد شیرازی

ص: 158

1- . مطابق با 7/2/1350 شمسی.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

